

# Research Paper

## Migration and Urbanization in the Country: Population Instability in Border Areas; Challenges and Solutions



\*Saeedeh Shahbazin<sup>1</sup>

1. Assistance Professor, Department of Migration and Urbanization, National Institute for Population Research, Tehran, Iran.



**Citation** Shahbazin Sh. (2023). [Migration and Urbanization in the Country: Population Instability in Border Areas; Challenges and Solutions (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(48), 172-205. <https://doi.org/10.22034/sspp.2022.561080.3278>

<https://doi.org/10.22034/sspp.2022.561080.3278>



**Received:** 30 Aug 2023

**Accepted:** 21 Dec 2023

**Available Online:** 01 Nov 2023

### Key words:

Immigration, Urbanization, Border areas, Migration, Population scarcity, Policy-making

### ABSTRACT

Migration is a phenomenon caused by socio-economic changes that affects the origin as well as the destination. Due to many social changes, especially in the last few decades, its rate and intensity have increased in the country. Since migration occurs in response to social and economic conditions in the society, any policies and changes in the origin and destination regions lead to significant changes in the field of migration. As a result, according to the current pattern of immigration in the country, where most of the out-migrant areas are border provinces, and its intensity and trend are increasing, it can be considered as a social problem and a solution should be sought for it. Therefore, this study, using studies related to migration of border areas and investigating its problems and causes, has investigated the widespread immigration of border areas and its challenges and solutions. Considering the impact of migration and population instability in border areas on political and national security, we need to formulate a set of laws and solutions to reduce migration and encourage the population to stay in the region. Considering factors such as local investments, border markets, creation of like-minded stations, etc. can be very useful.

### \* Corresponding Author:

Saeedeh Shahbazin, Assistance Professor.

**Address:** Department of Migration and Urbanization, National Institute for Population Research, Tehran, Iran.

**E-mail:** [saeedehshahbazin@nipr.ac.ir](mailto:saeedehshahbazin@nipr.ac.ir)

# مقاله پژوهشی

## مهاجرت و شهرنشینی در کشور: ناپایداری جمعیت در مناطق مرزی؛ چالش‌ها و راهکارها

\*سعیده شهبازین<sup>۱</sup>

۱. گروه توزیع فضایی، مهاجرت و شهرنشینی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران.

### چکیده

مهاجرت پدیده‌ای ناشی از تغییرات اجتماعی اقتصادی است که علاوه بر مقصد، مبدأ را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دلایل تغییرات اجتماعی بسیاری، به‌ویژه در چند دهه اخیر، میزان و شدت مهاجرت در کشور افزایش یافته است. از آنجایی که مهاجرت در واکنش به شرایط اجتماعی و اقتصادی در جامعه رخ می‌دهد هر گونه سیاست‌گذاری و ایجاد تغییر در مناطق مبدأ و مقصد، به تغییرات چشمگیری در زمینه مهاجرت منجر می‌شود. در نتیجه با توجه به الگوی کنونی مهاجرت در کشور که عمده مناطق مهاجر فرست آن را استان‌های مرزی تشکیل می‌دهند و شدت و روند آن نیز رو به فزونی است، می‌توان آن را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی عنوان کرد و در پی چاره‌جویی برای آن بود. بنابراین این مطالعه با استفاده از مطالعات مرتبط با مهاجرت از مناطق مرزی و بررسی مشکلات و علل آن، به بررسی مهاجر فرستی گسترده مناطق مرزی و چالش و راهکارهای آن پرداخته است. با توجه به تأثیر مهاجرت و ناپایداری جمعیت در مناطق مرزی بر امنیت سیاسی و ملی، نیازمند تدوین مجموعه قوانین و راهکارهایی برای کاهش مهاجرت و تشویق جمعیت به ماندگاری در منطقه هستیم. در نظر گرفتن عواملی، مانند سرمایه‌گذاری‌های محلی، بازارچه‌های مرزی، ایجاد ایستگاه‌های هم‌اندیشی و غیره می‌تواند بسیار مفید باشد.

تاریخ دریافت: ۰۸ شهریور ۱۴۰۲  
تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۲  
تاریخ انتشار: ۱۰ آبان ۱۴۰۲

### کلیدواژه‌ها:

مهاجرت، شهرنشینی، مناطق مرزی، مهاجر فرستی، ناپایداری جمعیت، سیاست‌گذاری

\* نویسنده مسئول:

دکتر سعیده شهبازین

نشانی: تهران، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، گروه توزیع فضایی، مهاجرت و شهرنشینی.

پست الکترونیکی: [saeedehshahbazin@nipr.ac.ir](mailto:saeedehshahbazin@nipr.ac.ir)

## مقدمه

جوامع توسعه یافته مهاجرت‌ها و به تبع آن گسترش مراکز شهری به دنبال توسعه اقتصادی و صنعتی شدن کشور رخ دادند که در نتیجه این شرایط، فرصت‌های لازم برای جذب مهاجران فراهم شد، اما روند و رشد مهاجرت‌ها و مراکز شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه الگوی متفاوتی را طی کرد. رشد مهاجرت‌ها در این مناطق عمدتاً ناشی از انتظار برآورده نشده روستاییانی بود که برای بهتر شدن شرایط زندگی خود راهی شهرها شده بودند. ضعف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی سبب شد تا روستاییان برای به دست آوردن فرصت‌های بهتر زندگی به مناطق شهری مهاجرت کنند (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶). در نتیجه این شرایط روند سریع و روبه‌رشدی از مهاجرت‌ها آغاز شد که در ابتدا طبیعی و منطقی به نظر می‌رسید. اما بعد از چند دهه و به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای کمتر توسعه یافته، به صورت پدیده‌ای مشکل‌زا و غیرمنطقی شناسایی شد (سراقی و همکاران، ۱۳۸۸؛ پوریایی، ۱۳۹۵).

ایران مانند دیگر جوامع از این روند مهاجرتی دور نبوده است. اجرای اصلاحات ارضی و تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و همچنین کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، موجب برهم خوردن رابطه متعادل شهر و روستا شد و شهرها به مکانی برای تمرکز مازاد اقتصادی ملی، گسترش زیرساخت‌های صنعتی مالی و مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی به‌خصوص برای روستاییان تبدیل شدند. از این رو روستاییان به تاسی از شرایط حاکم بر کشور در راستای بهره‌مندی از مواهب نوسازی و رشد که عموماً در شهرها متمرکز شده بودند، به سمت این کانون‌های برخوردار از خدمات، اشتغال و آزادی‌های

هر موضوع و پدیده اجتماعی‌ای لزوماً مسئله نیست، بلکه زمانی می‌تواند به‌عنوان یک مسئله مطرح شود که دارای ویژگی‌های خاصی باشد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها گسترده بودن جامعه هدف است. در واقع زمانی موضوعی اجتماعی به‌عنوان مسئله مطرح می‌شود که جمعیت زیادی تحت تأثیر آن باشند. از سوی دیگر این موضوع باید مدت‌زمانی پایدار باشد. موضوعاتی که گذرا بوده و در زمانی کوتاه برطرف می‌شوند، قابلیت طرح به‌عنوان مسئله را ندارند. در نهایت اینکه تأثیر سیاست‌گذاری برای آن موضوع باید چشمگیر باشد. در هر یک از این ۳ حالت می‌توان موضوعی اجتماعی را به‌عنوان مسئله طرح کرد و به دنبال راه‌حلهایی مدیریتی و سیاستی برای آن بود (ایمانی، ۱۳۹۹: ۲۳۸). مهاجرت از موضوعات اجتماعی اقتصادی است که دارای هر ۳ ویژگی مذکور است. مهاجرت پدیده‌ای ناشی از تغییرات اجتماعی اقتصادی است که علاوه بر مقصد بر مبدأ نیز تأثیرات گسترده‌ای دارد. از سویی به دلایل تغییرات اجتماعی بسیاری که به‌ویژه در چند دهه اخیر رخ داده است، میزان و شدت آن افزایش یافته است (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷). از آنجایی که مهاجرت در واکنش به شرایط اجتماعی و اقتصادی در جامعه رخ می‌دهد هرگونه سیاست‌گذاری و ایجاد تغییر در مناطق مبدأ و مقصد، به تغییرات چشمگیری در زمینه مهاجرت منجر می‌شود. در نتیجه باتوجه به شرایط کنونی مهاجرت در کشور می‌توان آن را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی عنوان کرد و در پی چاره‌جویی برای آن بود.

در سراسر جهان پس از جنگ جهانی دوم مهاجرت‌های روستایی به‌عنوان پدیده‌ای جمعیتی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مطرح شد. در

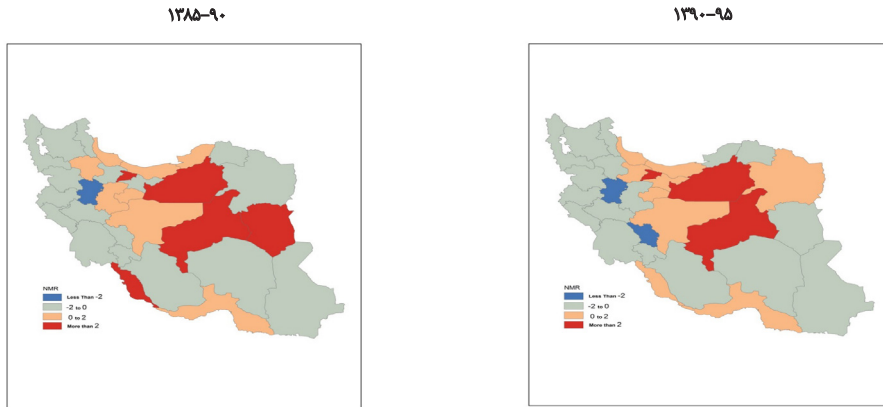
مناطق است. نتایج تحقیقات گواهی بر عدم توسعه موزون در مناطق کشور و وجود نابرابری مناطق در بهره‌مندی از امکانات و خدمات مختلف است. عدم توازن که موجب مهاجرت از مناطق کمتر توسعه‌یافته به سمت توسعه یافته می‌شود (صادقی و شکاریانی، ۱۳۹۵؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷، شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶؛ عسکری و همکاران، ۱۳۹۵؛ زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نسترن و همکاران، ۱۳۹۴). باتوجه‌به این واقعیت که استان‌های مرزی کشور عموماً مناطقی با سطح توسعه‌یافتگی پایین هستند (صادقی و شکاریانی، ۱۳۹۵؛ حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰؛ سرور و همکاران، ۱۳۹۳؛ فطرس و بهشتی‌فرد، ۱۳۸۵) روندی از مهاجرت از این مناطق به سمت مناطق مرکزی کشور شکل گرفته است. افراد ساکن در مناطق مرزی راه رسیدن به اهداف و زندگی بهتر را در مهاجرت به سوی مناطق توسعه‌یافته‌تر و دارای فرصت‌های بیشتر می‌دانند. همین عامل و تداوم آن موجب افزایش جریان مهاجرت در دوره‌های مختلف و حتی شدت گرفتن آن طی دوره اخیر شده است.

در حالی که مناطق و استان‌های مرکزی (استان‌های تهران، البرز، سمنان، اصفهان و غیره) دارای بالاترین میزان مهاجرپذیری هستند و بیشترین سود جمعیتی را از این پدیده دارند، استان‌های مرزی شمال غربی، غربی، جنوب غربی و جنوب شرقی بالاترین میزان‌های مهاجرفرستی را دارند. هر ساله نسبت بالایی از جمعیت این مناطق به سمت استان‌های مرکزی از موطن خود خارج می‌شوند. از دست دادن جمعیت در مناطق مرزی و استان‌هایی مانند کرمانشاه، خوزستان، سیستان و بلوچستان و غیره و در مقابل بار زیاد جمعیت در مناطق مرکزی مانند البرز، اصفهان، تهران، یزد و غیره ضمن برهم

فردی مهاجرت کردند. این روند که بعد از انقلاب اسلامی به دلیل فضای اجتماعی سیاسی حاکم بر کشور و همچنین بروز جنگ و به وجود آمدن شرایط اقتصادی معیشتی نامساعد برای روستاییان (علی‌رغم توجه به مباحث عدالت فضایی در توزیع منابع بین تمام اقشار جامعه از سوی نهادها و دستگاه‌های دولتی) شدت گرفت، موجب سیل عظیم روندهای مهاجرتی روستاییان به سمت شهرها در جهت دستیابی به شغل و درآمد بیشتر و نیز برخورداری از خدمات اجتماعی و فرهنگی موجود در شهرها شده است (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶؛ پوریایی، ۱۳۹۵؛ شمس‌الدینی و گرجیان، ۱۳۸۹، کیانی، ۱۳۹۵). طی ۵۰ سال اخیر تغییرات زیادی در اندازه، حجم و شکل مهاجرت‌های داخلی در کشور رخ داده است. در نیم‌قرن گذشته، ایران نیز مانند بسیاری از کشورها با فرازونشیب‌هایی در تغییر حجم و رشد جمعیت و به تبع آن سیاست‌های جمعیتی روبه‌رو بوده است (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲). اما نکته قابل توجه و مورد تأکید در این مطالعه، این است که تجربه این تغییرات برای همه مناطق و سکونتگاه‌های کشور یکسان نبوده است.

بررسی توزیع فضایی کشور براساس میزان خالص مهاجرت<sup>۱</sup>، شاخص اثربخشی مهاجرت<sup>۲</sup> و حتی شدت مهاجرت<sup>۳</sup> نشان داده است که توزیع یکسانی از مهاجرت در کشور وجود ندارد. نتایج به‌دست‌آمده در باب مهاجرت و جریان آن طی ۲۵ سال گذشته و بررسی توزیع فضایی آن در کشور، همه نشان از شدت مهاجرت در دهه‌های اخیر دارد. یافته‌های مطالعات مختلف نشان داده‌اند این حجم وسیع از مهاجرت ناشی از تفاوت در توسعه اجتماعی اقتصادی

1. Net Migration Rate (NMR)
2. Migration Effectiveness Rate (MER)
3. Crude Migration Rate (CMI)



تصویر ۱. توزیع فضایی مهاجرت در کشور طی دوره‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ (شهبازین، ۱۳۹۷)

مهاجرفرستی این مناطق موجب خنثی شدن نسبت زیادی از نرخ رشد جمعیت این مناطق می‌شود (شهبازین، ۱۴۰۰). از سوی مهاجرانی که از این منطقه خارج می‌شوند به دلایل مختلف و در جهت هم‌نواایی با جامعه مقصد، تعداد مولید خود را کاهش می‌دهند که باتوجه به حجم این مهاجران و پایین بودن میزان باروری جامعه مقصد، در بلندمدت میزان باروری کل کشور نیز کاهش پیدا می‌کند. روند مهاجرت در استان‌های مرزی نشان می‌دهد الگوی مهاجرتی در این مناطق از سمت مهاجرت‌های درون‌استانی به سمت مهاجرت‌های برون‌استانی تغییر کرده است. مقصد این مهاجران عمدتاً استان‌های توسعه یافته‌تر و مرکزی کشور است (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶).

در نتیجه در این مبادله جمعیتی، مناطق مرزی کشوری بیشترین ضرر جمعیتی را متقبل می‌شوند. این در حالی است که نواحی مرزی از حساس و مهم‌ترین مناطق هر کشوری محسوب می‌شوند و تغییر و تحولات جمعیتی آن به دلیل تأثیر پایداری جمعیت در رشد و شکوفایی منطقه و بالا رفتن

زدن تعادل جمعیتی، شرایط اجتماعی نامناسبی را نیز ایجاد کرده است. شهرستان‌های مرکزی کشور مانند اصفهان، کرج، سمنان، رباط کریم، اسلامشهر، اردکان، صدوق و غیره همواره دارای بالاترین میزان مهاجرپذیری بوده‌اند. در حالی که شهرستان‌های مرزی، به‌ویژه مناطق غربی، شمال غربی و جنوب شرقی مانند اردل، کلیبر، خرامه، کوهدشت، آبدانان و... بیشترین مهاجرفرستی به سایر مناطق را دارند (صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵؛ محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷؛ عسکری و همکاران، ۱۳۹۵).

در نتیجه تداوم این روند از مهاجرت، جمعیت مناطق مرزی کاهش پیدا کرده است و حتی مناطقی نیز خالی از سکنه شده است (رستمعلی‌زاده و حسینی، ۱۳۹۹). روند مهاجرفرستی مناطق مرزی، از ۲ بعد جمعیتی و نیز سیاسی و امنیتی علاوه بر منطقه، کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بُعد جمعیتی این مسئله باید اظهار کرد از آنجاکه استان‌های مرزی مناطقی هستند که به‌طور متوسط میزان باروری بالاتری از مناطق مرکزی دارند، میزان

سرزمین در گرو پایداری نظام زیستی مناطق مرزی به‌عنوان نظام حفظ امنیت سرزمین است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲). خالی شدن مناطق مرزی کشور از جمعیت، آسیب‌پذیری مرزها، کاهش امنیت انسانی و ملی را به دنبال دارد (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹). به همین دلیل است که جمعیت و جابه‌جایی‌های جمعیتی به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت پایدار در مناطق مرزی مطرح هستند و باید مورد توجه قرار گیرند.

تصویر شماره ۱ توزیع فضایی مهاجرت در کشور طی دوره‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد.

## ۱. پیشینه پژوهش

تصمیم و درنهایت اقدام به مهاجرت از عوامل مختلفی تأثیر می‌گیرد و درعین حال بر عوامل زیادی نیز تأثیر می‌گذارد. به‌طور کلی عوامل مؤثر بر مهاجرت را می‌توان در ۳ دسته کلی فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار داد (گراسکی، ۲۰۰۲). در این زمینه نیز تئوری‌های زیادی مطرح شده‌اند که هر یک از زاویه‌ای به مهاجرت پرداخته‌اند. این تئوری‌ها را در ۴ دسته کلی رویکرد اقتصادی، تاریخی-ساختاری، نهادی-سیاسی و نظام‌های مهاجرتی قرار داده‌اند (صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵). در تئوری اقتصادی بر نابرابری‌ها و تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق برای تحلیل مهاجرت تأکید می‌شود. به‌طور کلی دیدگاه اقتصادی از توسعه نابرابری منطقه‌ای و تحلیل‌های هزینه و فایده برای تبیین مهاجرت استفاده می‌کند (کوروا، ۲۰۱۱). در تئوری تاریخی-ساختاری مهاجرت پدیده‌ای در پاسخ به شرایط ساختاری است و در بستری تاریخی صورت می‌گیرد. براساس این رویکرد مهاجرت عمدتاً به دلیل الزامات توزیع فضایی

امنیت در این نواحی، از ضرورت خاصی برخوردار است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷). درواقع ناپایداری جمعیت در استان‌های مرزی مهم‌ترین و درواقع برجسته‌ترین پیامد ناشی از مبادله جمعیتی در کشور است. مهاجرت و درنتیجه کاهش جمعیت استان‌های مرزی، مشکلات توسعه‌ای و حتی امنیتی را ایجاد می‌کند. در اهمیت این موضوع باید اظهار کرد جمعیت به ۲ شکل کاهش و تراکم پایین و یا افزایش بیش از حد و تراکم خیلی بالا سبب تهدید امنیت کشور می‌شود. در مناطق مرزی به‌طور مثال مرزهای جنوبی کشور و جزایر حساس جنوب کشور، برخلاف پتانسیل‌های بالا شاهد جمعیت اندک هستیم. برعکس در مناطقی مانند تهران که دارای توان محیطی پایینی است، افزایش و تراکم جمعیت را شاهد هستیم که بحران‌هایی را ایجاد کرده است. بحران‌هایی ناشی از فزونی جمعیت و عدم برآورده شدن نیازها، در مقابل کاهش و کمبود جمعیت در برخی مناطق مرزی سبب بحران نامنی شده است. مناطق جنوبی و برخی از جزایر جنوب کشور طی سال‌های گذشته مورد تهدید کشورهای خلیج فارس و ادعاهای سرزمینی اعراب بر مناطقی مانند خوزستان و برخی از جزایر واقع شده‌اند. این مناطق عمدتاً کم‌تراکم و یا بدون سکنه هستند. درحالی‌که دارای پتانسیل‌های بالایی برای جمعیت هستند، همین ایجاب می‌کند که این مناطق از نظر امنیتی و نیز پتانسیل‌های بالای خود، مقصد اصلی سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی قرار گیرند (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳). درنتیجه به دلیل اهمیت جمعیت و تحولات آن، درک پویایی و توزیع جمعیت در مناطق مرزی برای برقراری امنیت پایدار در یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (طالشی و امیرفخریان، ۱۳۹۱: ۱۱۶؛ شهپری و همکاران، ۱۳۹۹) درواقع باید گفت توسعه پایدار

نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصادهای ملی و بین‌المللی صورت می‌پذیرد (دی هس، ۲۰۱۴). در رویکرد نهادی-سیاسی عمدتاً به مهاجرت‌های بین‌المللی و نقشی که دولت و عوامل سیاسی در ایجاد آن دارند پرداخته شده است و در نهایت در تئوری نظام‌های مهاجرتی به‌جای توجه تک‌بعدی بر مهاجرت، با دیدگاهی جامع و بین‌رشته‌ای تمامی ابعاد و سطوح مهاجرت تحلیل می‌شود. این رویکرد تلاش می‌کند نشان دهد حرکات مهاجرتی بین مقصد و مبدأ ناشی از عواملی، مانند نفوذ سیاسی، تجارت، پیوندهای فرهنگی و شبکه‌های مهاجرتی است (هوگو، ۱۹۹۴، کاستلز و میلر، ۲۰۰۳).

مسئله اصلی در بررسی تئوری‌های مهاجرت، نگاه به این پدیده است. پرداختن به علل و عوامل مهاجرت، جریان مهاجرت و یا پیامدهای ناشی از مهاجرت خود موجب تفاوت در تئوری‌های مورد استفاده است. کمتر تئوری‌ای وجود دارد که در آن به هر ۳ جنبه از مهاجرت پرداخته شده باشد. با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی در تحقیق، تئوری‌های حوزه علل و عوامل مهاجرت بررسی خواهد شد. مهم‌ترین و اولین دیدگاه نظری حرکت‌های جغرافیایی انسان‌ها در جوامع، تحت عنوان مدل‌های جاذبه و دافعه ارائه شده است. در این مدل‌ها، نظریه‌پردازان به‌طور کلی به ۲ دسته عوامل مؤثر بر مهاجرت توجه داشته‌اند: عوامل دافعه و عوامل جاذبه. براساس این دیدگاه، عوامل اقتصادی-فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و غیره نامناسب در یک مکان موجب می‌شوند که افراد محل زندگی خود را ترک کرده و به مکان دیگری که از نظر این عوامل در شرایط بهتری هستند، نقل مکان کنند. بخشی دیگر از نظریه‌های مهاجرت در سطح کلان و نشئت گرفته از نظریه نوسازی و اقتصاد دوگانه است. در این شاخه باور اصلی این است که

مهاجرت به‌عنوان سازوکاری تعادل‌بخش، نیروی کار اضافی را از بخش سنتی و معیشتی کشاورزی و روستا به بخش‌های نوین صنعتی و خدماتی در شهر منتقل می‌کند. با این فرض که این حرکت نیروی کار، لازمه تحول ساختاری به وضعیت مدرن است و شهر و روستا هر ۲ از آن بهره‌مند می‌شوند و به توازن درآمد و بهره‌وری بخش‌ها می‌انجامد (صحنه، ۱۳۹۰؛ صرافی ۱۳۸۱: ۱۱). از جمله مدل‌های مهاجرت بیان‌شده در این تئوری می‌توان به نظریه‌های لوئیس که بعدها توسط فی<sup>۴</sup> و رانیس<sup>۵</sup> غنای بیشتری یافت، اشاره کرد. در نظریه سرمایه‌گذاری انسانی و هزینه و فایده نیز فرض اساسی این است مهاجرت نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است که در آن شخص مهاجر هزینه و فایده مهاجرت را در نظر می‌گیرد، بدین ترتیب مهاجرت موقعی انجام می‌شود که فایده آن به هزینه‌اش افزون باشد (کیانی، ۱۳۹۵؛ صحنه، ۱۳۹۰).

نظریه‌های نئوکلاسیک سطح کلان مهاجرت، مهاجرت را به‌عنوان بخشی از توسعه اقتصادی تبیین می‌کنند و مهاجرت داخلی را نتیجه تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار می‌دانند. تفاوت‌ها در دستمزد، کارگرانی که حقوق پایینی دارند را به‌سوی مناطقی با حقوق بالا که دارای کمبود نیروی کار است، می‌راند (دی هس، ۲۰۱۴: ۱۲). اما طرفداران تئوری دیگری، یعنی اقتصاد جدید مهاجرت، نظریه نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار داده‌اند، زیرا معتقدند در نظر گرفتن مهاجرت به‌عنوان تصمیم‌گیری فردی، درست نیست. تصمیم مهاجرت تنها به خود فرد بستگی ندارد، بلکه به واحدهای اجتماعی دیگر، یعنی خانواده هم بستگی دارد. در این دیدگاه، مهاجرت به‌عنوان استراتژی

4. Fi  
5. Ranyis

خانوار در نظر گرفته می‌شود (دی هس، ۲۰۱۴: ۵۲). در کنار این ۲ تئوری، نظریه مکان مرکزی نیز وجود دارد که مهاجرت را ماحصل شبکه‌های پیچیده اقتصادی، تجاری و خدماتی مناطق مرکزی می‌داند. از این دیدگاه، مناطق مرکزی با جذب مداوم و پیوسته منابع مادی، زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و درآمدزایی بالاتر را فراهم می‌کنند و از این طریق زمین جذب جمعیت از سایر نقاط که فرصت‌های مشابهی را در سرزمین خود ندارند، فراهم می‌کنند. نظریه مرکزپیرامون فریدمن نیز مهاجرت را پیامد انتقال عوامل اصلی به مرکز می‌داند (پاپلی یزدی، رجبی سانجردی، ۱۳۹۶: ۲۰۴). در مجموع باید گفت نظریات موجود در زمینه مهاجرت معتقدند مهاجرت فرایندی است که به ارزیابی شرایط در مبدأ، مقصد و نیز شرایط خود فرد بستگی دارد. عمدتاً برای تصمیم‌گیری وزن عوامل اقتصادی در ۲ مکان، یعنی مبدأ و مقصد را در نظر گرفته می‌شود و فرد مهاجر با توجه به ویژگی‌های خود، مکان مناسب را انتخاب می‌کند. در نتیجه این روند افراد از مناطقی که دارای شرایط اقتصادی مناسبی نیست دفع شده و به مناطقی با شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر و در نتیجه امکان معیشت و زندگی بهتر، جذب می‌شوند. با توجه به اینکه در کشورهایمانند ایران متأسفانه مناطق مرزی از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند و در عین حال مناطق مرکزی، مانند تهران، اصفهان، البرز و غیره با سرمایه‌گذاری و جذب منابع مالی، بهترین شرایط را فراهم آورده‌اند، هر ساله منابع انسانی مناطق مرزی به این مناطق مهاجرت می‌کنند.

به صورت کلی مطالعات بسیاری با تمرکز بر مناطق مرزی و مسائل و چالش‌های آن‌ها صورت گرفته است. قلی‌زاده و جنگجو (۱۳۹۱) بیکاری

مرزنشینان و تأثیر آن بر امنیت ملی، خالق (۱۳۹۱) امنیت مناطق و شهرهای مرزی، سلیمان و حاجی‌پور (۱۳۹۱) چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های مرزی، زبینه و همکاران (۱۳۹۲) اشتغال در مناطق مرزی و تأثیر آن بر امنیت، سعادت‌ی جعفرآبادی و زیرکی (۱۳۹۴) توسعه مرزی و تأثیر بر امنیت را بررسی کرده‌اند و مطالعات بسیاری دیگر از این دست روی مناطق مرزی و تأثیر آن بر امنیت کشور تمرکز کرده‌اند، اما مطالعات اندکی به نقش جمعیت و به‌ویژه مهاجرت در این مناطق توجه داشته‌اند.

افراخته (۱۳۹۱) نیز در مطالعه‌ای در همین زمینه و در بررسی کلی مناطق مرزی نشان داد با نگاهی گذرا به مناطق مرزی می‌توان دید که این مناطق هم‌زمان با فشار دوگانه توسعه‌نیافتگی و حاشیه‌ای بودن در رنج هستند. به همین دلیل تمایل به مهاجرت و ادغام در مناطق پرجمعیت دارند. در چنین شرایطی، تحقق توسعه‌ای که متضمن تقویت هویت، اقتدار و امنیت و رفاه ملی است، غیرممکن خواهد بود. مشفق و همکاران (۱۳۹۴) به تبعات تفاوت شرایط جمعیتی مناطق مرزی و مرکزی پرداخته‌اند. در این مطالعه آن‌ها تأکید کرده‌اند که جمعیت کشور بر تئوری مرکزپیرامون قابل انطباق است. به‌صورتی که جمعیت تمرکزگرا و مرزگریز شده است و همین خود زمینه‌ساز چالش‌های امنیتی شده و خواهد شد. در مطالعه دیگر در همین زمینه و در سطحی کوچک‌تر، عباسی سمنانی و نبیونی (۱۳۹۵) مهاجرت از مناطق مرزی و تأثیر آن بر امنیت ملی را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه سطح مورد تأکید استان خراسان رضوی است. آن‌ها نشان دادند که شهرستان‌های مرزی این استان همگی مهاجرفرست هستند و اذعان داشتند که



استان های مرزی کشور نشان داده اند مهاجرت از این مناطق به سمت مهاجرت های برون استانی پیش رفته است. در طی سالیان اخیر نیز به واسطه افزایش جمعیت در سن کار و کمبود فرصت های شغلی در این مناطق، بر تعداد استان های مهاجر فرست مرزی افزوده شده است. رستمعلی زاده و حسینی (۱۳۹۹) در ادامه همین مطالعات، مهاجرت در مناطق روستایی شهرستان های مرزی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نیز حاکی از این واقعیت بود که در مناطق روستایی مرزی نیز شاهد از دست رفتن جمعیت به دلیل مهاجرت هستیم. عمده علت مهاجرت از این مناطق روستایی نیز نابرابری های منطقه ای و عدم توسعه یافتگی است. رستمعلی زاده و نوبخت (۲۰۲۰) بررسی مهاجرت در مناطق مرزی را به سطح ریزتری برده و مهاجرت در شهرستان های مرزی را مورد توجه قرار داده اند. مرکز توجه این مطالعه بررسی سطح و میزان توسعه و به ویژه توسعه پایدار در این مناطق بوده است. بررسی شاخص های توسعه این شهرستان ها نشان داده است که هیچ یک از شهرستان های مرزی کشور به لحاظ توسعه در شرایط خیلی مطلوبی قرار ندارند که در نتیجه آن روند منفی از مهاجرت (یعنی مهاجر فرستی) را در این مناطق شاهد هستیم.

در مجموع مطالعات انجام شده یافته های مشترکی قابل دریافت است. کاهش رشد جمعیت و از دست رفتن آن به دلیل مهاجرت یکی از مسائل حال حاضر مناطق مرزی کشور است. مهاجرت در این مناطق عمدتاً به دلیل اقتصادی بوده و به سمت استان های توسعه یافته تر مرکزی صورت می گیرد. این در حالی است که جمعیت یکی از ارکان قدرت و ایجاد امنیت در کشور و به ویژه مناطق مرزی است. باتوجه به علت مهاجرت که عمدتاً اقتصادی است و از سویی

پدیده مهاجرت در شهرستان های استان خراسان رضوی بیش از همه تحت تأثیر شاخص توسعه اقتصادی است و مهارت و توسعه اقتصادی ارتباط معناداری باهم دارند. این در حالی است که مسائل زیست محیطی کمترین اثر را در روند مهاجرت دارد.

در همین راستا حسینی (۱۳۹۶) در مطالعه ای تفاوت های جمعیتی مرزنشینان غربی و مرکزی را مورد مطالعه قرار داده است در کنار بسیاری از نتایج جالب توجه در این مطالعه آنچه قابل توجه است اذعان به این مطلب است که با وجود تفاوت های اقتصادی و اجتماعی در این ۲ منطقه از کشور، در هر ۲ روند مهاجرت به سمت مناطق مرکزی بسیار شدید است. در مطالعه ای مشابه شهری ثانی و همکاران (۱۳۹۹) وضعیت جمعیتی مناطق مرزی و تأثیر آن بر امنیت پایدار را با تأکید بر استان خوزستان انجام دادند. نتایج این مطالعه نیز بیانگر کاهش رشد جمعیت و افزایش مهاجر فرستی این استان در ۲ دهه اخیر بود. آن ها معتقدند خالص مهاجرتی منفی در رشد جمعیت، درصد جمعیت فعال، ساختار سنی، میانگین سن ازدواج و بعد خانوار این استان، تأثیر بسزایی داشته و به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت پایدار در منطقه و کشور مطرح است. مختاری هشی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند خالی شدن مناطق مرزی کشور از جمعیت، آسیب پذیری مرزها را افزایش و امنیت انسانی و ملی کشورها را کاهش می دهد. علاوه بر این حجم بالای مهاجرت و تخلیه مناطق مرزی، به ویژه روستاهای مرزی از سویی انحطاط منابع ملی را در پی دارد و از سوی دیگر، این حجم بالای مهاجرت به مناطق مرکزی سبب شکل گیری معضلات عدیده و کند کردن سرعت توسعه، امنیت و مدیریت مناطق می شود. حسینی و خانی (۱۳۹۸) در بررسی مهاجرت در

$$1. NMR = \frac{(I_j^t - O_j^t)}{P_j^t} \times k$$

در اینجا  $I_j^t$  تعداد افراد وارد شده به منطقه در زمان مشخص،  $O_j^t$  تعداد افراد خارج شده از منطقه در زمان مشخص و  $P_j^t$  جمعیت منطقه در همان زمان است. میزان خالص مهاجرت، وضعیت مهاجرتی (منفی بودن شاخص) و مهاجرت‌پذیری (مثبت بودن شاخص) هر منطقه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ذکر شد این مطالعه با تکیه بر داده‌های سرشماری و نیز مطالعات انجام‌شده در این حوزه انجام شده است.

### ۳. یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱. روند و الگوهای مهاجرت در استان‌های مرزی

عوامل مؤثر در رشد جمعیت ایران در قرن اخیر نشان می‌دهند که تغییرات مرگ‌ومیر و شرایط بهداشتی جامعه نقش تبیین‌کننده‌ای در تغییرات جمعیتی ایران داشته‌اند. با بهبود شرایط بهداشتی و کنترل بیماری‌های واگیر (خسروی و همکاران، ۲۰۰۷؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۱) و افزایش امید به زندگی (ساسانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹؛ ساسانی‌پور، ۱۴۰۰)، باروری به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر رشد جمعیت مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های مرتبط با باروری نشان می‌دهند میزان باروری کل در ایران به سطح زیر جانشینی رسیده است. در چنین شرایط عامل سوم مؤثر بر رشد جمعیت، یعنی مهاجرت اهمیت پیدا کرده است. بررسی روند مهاجرت در کشور نیز نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۵/۷ میلیون نفر در درون مرزهای ایران جابه‌جا شده‌اند که تقریباً ۱۱/۶ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵ را تشکیل می‌دادند. در سرشماری سال

باتوجه به اهمیت جمعیت و مهاجرت در این مناطق، می‌توان با اقداماتی کاربردی این مسئله را رفع کرد و یا حداقل از شدت آن کاست.

#### ۳-۲. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مطالعه در ابتدا روش کتابخانه‌ای است. در واقع در مطالعه حاضر جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم در ۲ مرحله صورت گرفته است. در ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای و مرور پیشینه تحقیق به واسطه جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی، اطلاعات موجود در زمینه مهاجرت داخلی در کشور به دست آمد و سپس با محدود کردن مطالعات به مهاجرت در استان‌های مرزی، تلاش شد الگوها و روندهای مهاجرت در این استان‌ها و تا حد ممکن علل این مهاجرت‌ها مشخص شوند. در ادامه با بهره‌گیری از روش تحلیل ثانویه داده‌ها و بهره‌گیری از داده‌های موجود در زمینه مهاجرت، این الگو و روندهای مهاجرت بر حسب سن و برخی از ویژگی‌ها نشان داده شدند. مشکلات و مسائل موجود در زمینه علت مهاجرت از این مناطق با تکیه بر نتایج مطالعات مختلف و نیز مصاحبه با افراد آگاه به موضوع و متخصص مشخص شده است.

جامعه آماری در این مطالعه استان‌های مرزی مهاجرت‌پر کشور است. یعنی از بین همه ۱۶ استان مرزی کشور، تنها ۱۱ استانی که وضعیت مهاجرتی آنان به صورت مهاجرت‌پرست بود، شناسایی شده‌اند. داده‌های مورد استفاده، مهاجران وارد شده و خارج شده از هر استان بر اساس جنس، سن و نیز علت مهاجرت هستند که از داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن، از مرکز آمار ایران برای دوره‌های مختلف جمع‌آوری شده‌اند. برای به دست دادن وضعیت مهاجرتی این استان‌ها از شاخص میزان خالص مهاجرت استفاده شده است (فرمول شماره ۱).

کردستان، ایلام، خراسان جنوبی، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، مازندران، گیلان، بوشهر و گلستان نشان می‌دهد که تنها استان‌های مازندران، گیلان، گلستان، بوشهر، هرمزگان و خراسان رضوی دارای خالص مهاجرتی مثبت هستند و سایر استان‌های مرزی مناطق مهاجرفرست محسوب می‌شوند (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶؛ عسکری و همکاران، ۱۳۹۵). جدول شماره ۱ مهاجرت در استان‌های مرزی کشور را نشان می‌دهد.

براساس یافته‌های ارائه‌شده در جدول شماره ۱، طی ۴ دهه اخیر استان‌های مرزی کشور همواره دارای خالص مهاجرتی منفی و به تبع آن میزان خالص مهاجرتی منفی بوده‌اند. به همین دلیل هر ساله این استان‌ها نسبتی از جمعیت خود را به دلیل مهاجرت از دست داده‌اند. خالص مهاجرتی مثبت استان خوزستان در این دوره به دلیل بازگشت مهاجران ناشی از جنگ ۸ ساله به این استان بوده است، به طوری که در دوره بعد، خالص مهاجرتی این استان مجدداً منفی شده است (شهبازین، ۱۳۹۷). در دوره‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ استان خوزستان دارای بیشترین خالص مهاجرتی منفی بوده و استان آذربایجان شرقی در دوره‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیشترین تعداد مهاجرفرستی را نشان داده است. استان سیستان و بلوچستان در حالی که در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ پایین‌ترین خالص منفی مهاجرت را داشته است اما در دوره‌های بعدی به یکی از ۳ استان دارای بیشترین خالص منفی مهاجرت، تبدیل شده است.

باتوجه به تفاوت حجم جمعیت این استان‌ها و تأثیر جمعیت در مهاجرت، در ادامه شاخص میزان خالص مهاجرت استان‌های مرزی مورد بررسی قرار

۱۳۷۵ نسبت جمعیت مهاجر کشور به ۱۴/۵ درصد افزایش یافت که برای سرشماری ۱۳۸۵ نیز این روند افزایشی ادامه داشت و به ۱۷/۲ درصد رسید. در سرشماری سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ باتوجه به تغییر دوره زمانی سرشماری از ۱۰ سال به ۵ سال، درصد جمعیت مهاجر داخلی کشور به ترتیب به ۷/۴ و ۷ درصد رسید (محمودیان، قاسمی اردهابی، ۱۳۹۲؛ محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷). تغییرات الگوهای مهاجرتی نیز نشان می‌دهند حدود نیمی (۴۹ درصد) از مهاجرت‌ها به شکل برون‌استانی است و از نظر شهر و روستا بیش از ۶۸ درصد مهاجرت‌ها به صورت شهر به شهر است. این تغییرات جمعیتی نشان می‌دهند در ۳۰ سال گذشته نظام مهاجرت داخلی ایران تغییرات اساسی داشته است (عباسی شوازی، صادقی و شهبازین، ۲۰۲۰).

بررسی نقشه کشوری نشان می‌دهد توزیع فضایی شهرستانی و نیز استانی براساس میزان خالص مهاجرت یکسان نبوده است. شهرستان‌های مرکزی کشور مانند اصفهان، کرج، سمنان و رباط کریم همواره دارای بالاترین میزان خالص مهاجرتی مثبت بوده‌اند. در نتیجه مهاجرت در این مناطق، اثربخشی مثبتی بر بازتوزیع جمعیت داشته است؛ در حالی که عمده مناطق دارای خالص مهاجرت منفی، شهرستان‌های مرزی به‌ویژه غرب، جنوب شرقی و شمال غربی (اردل، کهگیلویه، زابل، سنقر، سیروان و غیره) هستند که در استان‌های محروم‌تر و دارای سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تری قرار دارند (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵؛ محمودیان و قاسمی اردهابی، ۱۳۹۲). بررسی داده‌های مهاجرتی استان‌های مرزی کشور یعنی ۱۶ استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان رضوی، خراسان شمالی، کرمانشاه،

در میان ۱۶ استان مرزی کشور، تنها استان‌های خراسان رضوی، مازندران، گیلان، بوشهر و هرمزگان به دلیل شرایط ویژه خود، دارای خالص مهاجرتی مثبت بوده‌اند و سایر استان‌های مرزی همچنان که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود همواره دارای خالص مهاجرتی منفی بوده‌اند.

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین وجوه مورد توجه و مسائل مرتبط با مهاجرت در مناطق مرزی، الگوی سنی مهاجران است. مهاجران عمدتاً جوان و در سنین کار و فعالیت اقتصادی بوده و از نظر سطح تحصیلات نیز غلبه با افراد دارای تحصیلات دانشگاهی است (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). تصویر شماره ۲ الگوی سنی خالص مهاجرت استان‌های مرزی کشور طی ۲ دوره را نشان می‌دهد.

همان‌طور که نمودارهای تصویر شماره ۲ نشان می‌دهند، در همه استان‌های مرزی دارای خالص مهاجرتی منفی، بیشترین مهاجرت در سنین جوانی یعنی طی سنین تقریباً ۱۹ تا ۳۹ سالگی رخ داده است. مهاجرت افراد این گروه سنی از مبدأ موجب از دست رفتن نیروی جوان و فعال اقتصادی این مناطق شده که خود موجب کند شدن روند توسعه این مناطق می‌شود. روند مهاجرتی مناطق مبدأ یعنی استان‌های مرزی کشور، باعث دست رفتن نیروی انسانی منطقه می‌شود و در واقع دوری را در زمینه توسعه و مهاجرت ایجاد می‌کند. برای اساس نبود شرایط و امکانات اقتصادی و اجتماعی موجب مهاجرت به‌ویژه مهاجرت افراد جوان و تحصیل کرده در این مناطق می‌شود. از سویی بر اثر مهاجرت افراد جوان و در سن فعالیت اقتصادی، روند توسعه اقتصادی به دلیل نبود منابع و سرمایه انسانی، کند و یا دچار توقف می‌شود. در کنار این مهم، باید به تبعات بلندمدت خروج جمعیت جوان از این

گرفت. این شاخص نشان داد در دوره‌های مختلف، استان‌های مرزی در میزان مهاجرتی متفاوت بوده‌اند. در حالی که در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، استان خوزستان به دلایل ناشی از جنگ تحمیلی ۸ ساله، بیشترین میزان مهاجرتی را داشته است. در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ استان آذربایجان شرقی بیشترین میزان مهاجرتی را تجربه کرده است. اما در دوره‌های بعدی استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خراسان شمالی همواره دارای بالاترین میزان‌های مهاجرتی بوده‌اند. مسئله مشترک و پراهمیت در این زمینه، میزان خالص مهاجرت منفی همه استان‌های مرزی است. در همه استان‌ها همیشه میزان مهاجرت منفی و در نتیجه مهاجرتی حاکم بوده است. بررسی روند این شاخص طی دوره‌های اخیر نیز نشان داد در همه این استان‌ها، میزان مهاجرتی طی ۴ دهه اخیر افزایش پیدا کرده است و در نتیجه هر ساله جمعیت بیشتری از این استان‌ها خارج شده‌اند. بررسی الگوهای مهاجرتی نیز نشان می‌دهد در همه این استان‌ها مهاجرت از درون استانی به سمت مهاجرت‌های برون‌استانی تغییر کرده است و بیش از دوسوم مهاجرت‌ها به صورت مهاجرت‌های شهری بوده است (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲، محمودیان و محمودیان، ۱۳۹۷).

برای بهتر نشان دادن وضعیت مهاجرتی استان‌های مرزی، مقایسه‌ای بین میزان خالص مهاجرت استان‌ها در ۲ دوره اخیر انجام گرفته است (جدول شماره ۲). همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود از ۱۴ استانی که در هر ۲ دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، دارای میزان خالص مهاجرت منفی بوده‌اند، ۹ استان، یعنی بیش از نیمی از آن‌ها، استان‌های مرزی کشور بوده‌اند.

جدول ۱. تعداد و میزان خالص مهاجرت در استان‌های مرزی کشور

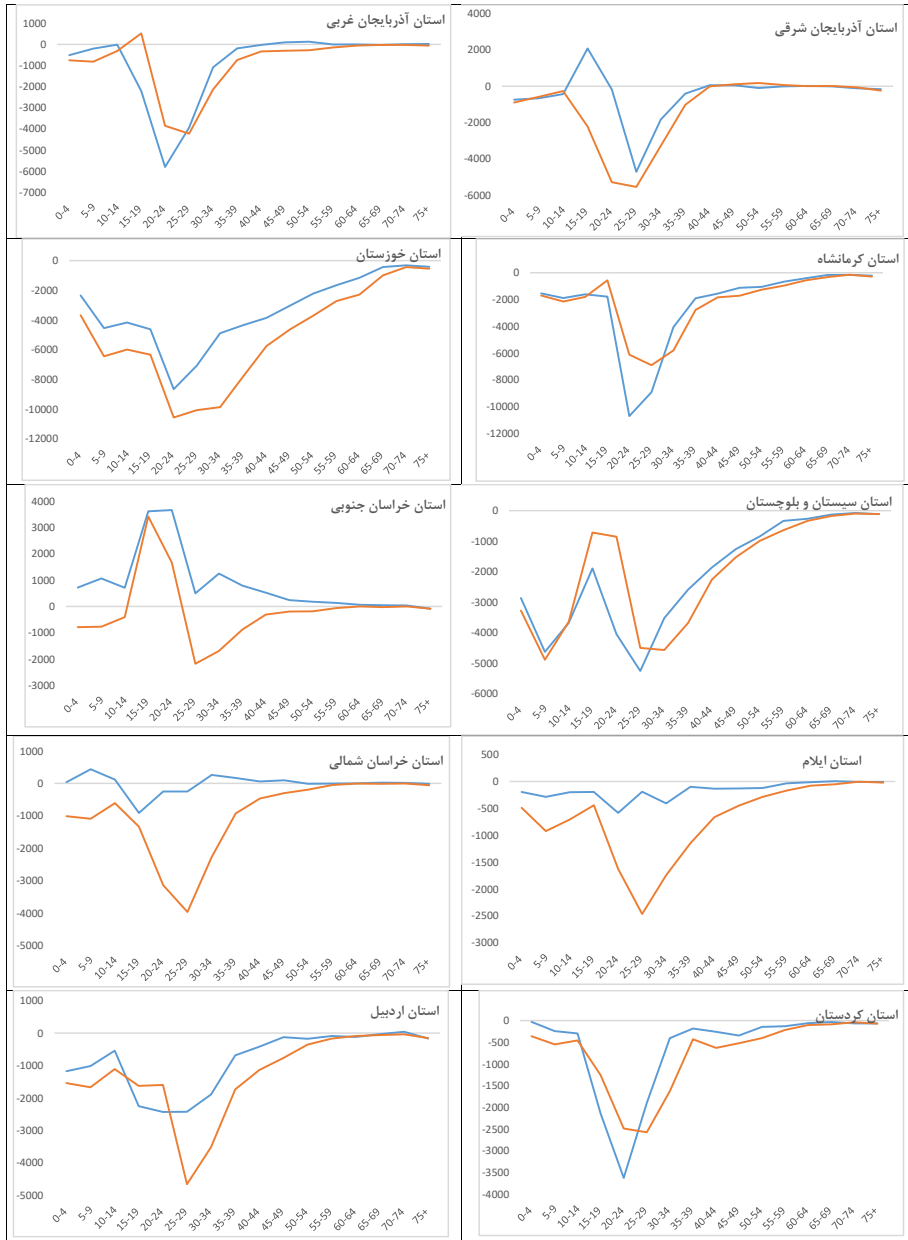
استان	۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵		۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵		۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰		۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵	
	میزان خالص مهاجرت	تعداد خالص مهاجرت	میزان خالص مهاجرت	تعداد خالص مهاجرت	میزان خالص مهاجرت	تعداد خالص مهاجرت	میزان خالص مهاجرت	تعداد خالص مهاجرت
آذربایجان شرقی	-۲/۶۶	-۸۸۴۵۸	-۲/۹۹	-۷۳۹۸	-۰/۴۰	-۱۹۰۶۰	-۱/۰	-۲۲۴۷۹۰
آذربایجان غربی	-۰/۰۶	-۱۳۹۷	-۰/۹۳	-۱۳۸۸۱	-۰/۹۳	-۱۳۵۰۰	-۰/۸۵	-۱۳۸۱۴
اردبیل	-۲/۵۳	-۳۹۵۵۶	-۴/۵۱	-۵۵۳۹۲	-۲/۲۰	-۲۰۲۴۱	-۳/۲۱	**
کرمانشاه	-۲/۴۷	-۶۱۶۹۵	-۶/۳۴	-۱۱۹۱۲۸	-۳/۹۹	-۳۴۹۲۸	-۳/۵۸	-۱۷۶۰۶
کردستان	-۲/۰۲	-۳۷۱۴۵	-۴/۰۹	-۵۸۸۸۹	-۱/۳۹	-۱۱۸۲۹	-۱/۵۳	-۳۵۲۲۱
ایلام	-۱/۴۳	-۶۹۶۲	-۲/۰۴	-۱۱۱۳۶	-۰/۹۶	-۱۱۲۷۱	-۳/۹۶	-۴۱۹۷
خراسان شمالی	**	**	-۳/۱۳	-۲۵۳۸۱	-۴۰۲	-۱۵۴۶۳	-۳/۵۷	**
خراسان جنوبی	**	**	-۱/۶۰	-۱۰۲۰۵	۴/۲۲	-۲۴۷۳	-۰/۶۹	**
سیستان و بلوچستان	-۰/۸۵	-۱۴۵۹۲	-۲/۹۷	-۷۱۳۳۲	-۲/۷۱	-۳۳۲۲۶	-۲/۴۴	-۲۰۲۲
خوزستان	۱/۶۴	۶۱۳۴۹	-۲/۵۳	-۱۰۸۲۱۲	-۲/۴۵	-۸۱۸۵۹	-۳/۵۴	-۲۶۷۶۴۴

جدول ۲. میزان خالص مهاجرت استان‌های کشور ۱۳۸۵-۱۳۹۵

استان	میزان خالص مهاجرت		استان	میزان خالص مهاجرت	
	۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰		۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	-۰/۴۰	-۱/۱۴	فارس	-۱/۰	-۰/۸۵
آذربایجان غربی	-۰/۹۳	-۱/۰۹	قزوین	-۰/۸۵	۰/۱۸
اردبیل	-۲/۲۰	۰/۸۶	قم	-۳/۲۱	۳/۶۴
اصفهان	۱/۹۸	-۱/۳۹	کردستان	۰/۹۹	-۱/۵۳
ایلام	-۰/۹۶	-۰/۴۴	کرمان	-۳/۹۶	-۱/۴۲
البرز	۱۵/۳۴	-۳/۹۹	کرمانشاه	۸/۱۴	-۳/۵۸
بوشهر	۵/۰۵	-۱/۳۲	کهگیلویه و بویراحمد	۲/۳۳	-۳/۵۶
تهران	-۰/۳۴	۱/۶۳	گلستان	۲/۶۱	-۱/۹۹
چهارمحال و بختیاری	-۳/۷۸	۲/۴۴	گیلان	-۴/۶۲	۱/۰۶
خراسان جنوبی	۴/۲۲	-۴/۱۲	لرستان	-۰/۶۹	-۷/۳۰
خراسان رضوی	-۰/۲۱	۱/۶۹	مازندران	۰/۱۴	۰/۶۷
خراسان شمالی	-۰/۱۰	۱/۱۳	مرکزی	-۳/۵۷	-۰/۷۸
خوزستان	-۲/۴۵	۱/۰۷	هرمزگان	-۳/۵۴	۲/۱۵
زنجان	۰/۶۹	-۲/۱۰	همدان	-۱/۲۶	-۳/۷۱
سمنان	۵/۹۸	۵/۰۲	یزد	۹/۱۹	۶/۶۴
سیستان و بلوچستان	-۲/۷۱			-۲/۴۴	

در جهت هم‌نوایی با جامعه مقصد، میزان باروری خود را کاهش می‌دهند که در بلندمدت موجب کاهش نرخ باروری کشور می‌شود. پس مهاجرت جمعیت جوان از استان‌های مرزی ضمن تأثیر مستقیم بر کاهش نرخ رشد جمعیت، در بلندمدت نیز با کاهش نرخ باروری، به صورت غیرمستقیم موجب کاهش نرخ رشد جمعیت کشور می‌شود (شهبازین، ۱۴۰۰).

استان‌ها نیز توجه کرد. عمده جمعیت خارج‌شده از استان در سنین جوانی یعنی سنین ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری قرار دارند. مهاجرت این افراد ضمن ایجاد تأخیر در تشکیل خانواده و فرزندآوری، موجب کاهش نرخ باروری نیز می‌شود. زیرا باتوجه به مسیر مهاجرت از این استان‌ها به مناطق توسعه‌یافته‌تر که دارای نرخ باروری پایین‌تری هستند، این مهاجران



تصویر ۴. الگوی سنی مهاجرت‌های بین استانی، استان‌های مرزی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵

براساس داده‌های جدول شماره ۳ بررسی علت مهاجرت در سرشماری ۱۳۸۵ نشان داد علت مهاجرت در بین زنان و مردان کاملاً متفاوت است. براساس نتایج، مهاجرت به دلیل کار (جست‌وجوی کار و یا کار بهتر) در میان مردان دلیل اول مهاجرت است. حال آنکه در بین زنان، مهاجرت به دلیل «پیروی از خانوار» و سپس «تحصیلات» مهم‌ترین علل مهاجرت را تشکیل می‌دهد. بین افراد کمتر از ۱۴ سال هم در میان زنان و هم در میان مردان، مهم‌ترین دلیل مهاجرت «پیروی از خانوار» است و کمتر از ۲ درصد از مهاجران زیر ۱۵ سال به دلیل «تحصیلات» اقدام به مهاجرت کرده‌اند. اما در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال وضعیت کاملاً متفاوت است. در میان مردان مهاجر این گروه سنی عمده‌ترین دلیل مهاجرت مربوط به فعالیت اقتصادی (شامل جست‌وجوی کار، کار بهتر و انتقال شغلی) است. بیش از ۷۱ درصد مهاجرت زنان این گروه سنی مربوط به «پیروی از خانوار» و بعد از آن تحصیلات است.

وضعیت دلیل مهاجرت برای مهاجران سالمند در بین زنان و مردان نیز الگویی متفاوت دارد. درحالی‌که مهم‌ترین علت مهاجرت در بین مردان مهاجر سالمند پیروی از خانوار است، اما حدود ۲۲/۲ درصد از دلایل مردان مهاجر سالمند نیز اقتصادی (جست‌وجوی کار، کار بهتر و انتقال شغلی) مربوط است. اما آنچه در این گروه سنی در بین مردان و زنان مهاجر مشاهده می‌شود علتی تحت عنوان «سایر» است که حدود ۵۰ درصد از مهاجران سالمند در این گروه قرار گرفته‌اند.

مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که ۲ نوع مهاجرت‌های تبعی و کاری (جست‌وجوی کار، کار بهتر و انتقال شغلی) در ایران و مناطق مختلف آن به‌شدت تحت تأثیر سن و جنس قرار دارد و در برخی

در کنار الگوی سنی مهاجرت، علت مهاجرت نیز از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در زمینه مهاجرت استان‌های مرزی است. بررسی علت مهاجرت در استان‌های کشور با تمرکز بر استان‌های مرزی نشان می‌دهد بعد از پیروی از خانوار، مهاجرت به دلیل اشتغال (اعم از جست‌وجوی کار، دستیابی به کار بهتر، انتقال شغلی) در رأس علت‌ها قرار دارد. بعد از آن، مهاجرت به دلیل آموزش و تحصیلات قرار دارد (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). گرچه قابل‌ذکر است که الگوی جنسی و سنی این علت متفاوت است. در سنین کمتر از ۱۵ و بیشتر از ۶۵ سال پیروی از خانوار بیشترین فراوانی را داشته، در سنین جوانی آموزش و تحصیلات و خدمت سربازی (برای مردان) و در سنین میانی اشتغال و دسترسی به مسکن بیشترین فراوانی را دارد. همچنین علت پیروی از خانوار و تحصیلات در میان زنان فراوانی بیشتری در مقایسه با مردان دارد (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). براساس رویکرد چرخه زندگی، این تفکر وجود دارد که مهاجرت در مقاطع سنی خاصی در زندگی افراد اتفاق افتاده و هر یک از مهاجران باتوجه به مقاطع سنی خود، دلایل خاصی برای مهاجرت ذکر می‌کنند. در نتیجه در بررسی علت مهاجرت توجه به عامل سن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. براین‌اساس باتوجه به تفاوت علل مهاجرت برحسب ۲ فاکتور سن و جنس، در ادامه به علل مهاجرت براساس ۳ گروه سنی عمده به تفکیک جنس پرداخته شده است. پرسش از علت مهاجرت در سرشماری‌های جمعیتی ایران تا سرشماری ۱۳۹۰ موجود بوده است و این سؤال از سرشماری ۱۳۹۵ حذف شده است. بنابراین در اینجا تنها به بررسی علت مهاجرت استانی با تأکید بر استان‌های مرزی طی دو دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ پرداخته می‌شود (جدول‌های شماره ۳ و ۴).



جدول ۳. علت مهاجرت بر حسب سن و جنس ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

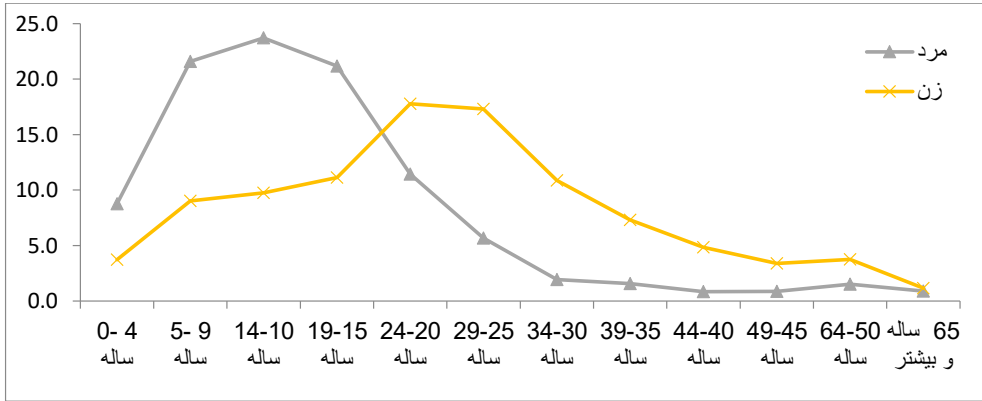
علل مهاجرت	مرد			زن		
	صفر تا ۱۴ ساله	۱۵ تا ۶۵ ساله	۶۵ ساله و بیشتر	صفر تا ۱۴ ساله	۱۵ تا ۶۴ ساله	۶۵ ساله و بیشتر
جستجوی کار	۰/۹	۱۴/۵	۱۰/۳	۰/۴	۲/۳	۰/۰
جستجوی کار بهتر	۰/۱	۱۱/۶	۶/۲	۰/۲	۱/۴	۰/۰
انتقال شغلی	۰/۵	۱۲/۱	۵/۷	۰/۲	۲/۶	۱/۹
تحصیلات	۱/۷	۹/۹	۰/۰	۱/۴	۱۱/۳	۰/۱
خدمت وظیفه	۰/۰	۲۷/۸	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
پیروی از خانوار	۸۲/۹	۱۳/۸	۱۶/۰	۸۲/۶	۷۱/۰	۴۵/۶
سایر	۶/۵	۷/۳	۵۳/۱	۸/۵	۸/۲	۴۲/۵
اظهار	۷/۳	۳/۱	۸/۶	۶/۸	۳/۲	۹/۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

از دوره‌های سنی مهاجران، شکاف معنی‌داری بین ۲ جنس وجود دارد. در اینجا نیز باتوجه به نسبت بالای ۲ علل «تبعی» و کاری» باتوجه به سن و جنس مهاجران به بررسی آن پرداخته شده است.

تصمیم به مهاجرت معمولاً توسط سرپرست خانوار اتخاذ می‌شود که به دنبال آن سایر اعضای خانواده نیز مجبور به جابه‌جایی می‌شوند. باتوجه به نسبت وابستگی بیشتر زنان به مردان و نیز کودکان و نوجوانان به بزرگسالان، ملاحظه می‌شود که در سنین نوجوانی و جوانی این علت مهاجرت در هر ۲ جنس بالاتر از ۸۰ درصد بوده است و در میان مردان بیشتر از زنان بوده است. تصویر شماره ۴ نشان می‌دهد در سنین میانی تفاوت و شکاف جنسی زیادی در این علت پدیدار می‌شود. این شکاف جنسی در علت «پیروی از خانوار» تا

سنین سالمندی ادامه پیدا کرده است و همچنان زنان دارای بیشترین سهم از این علت بوده‌اند. پس می‌توان گفت در جابه‌جایی جمعیت، زنان و کودکان عمدتاً در جایگاه مهاجر منفعل قرار می‌گیرند و در تبعیت از سرپرست خانوار (پدر و یا همسر) مشمول این جابه‌جایی جمعیتی می‌شوند.

در مقابل مهاجرت‌های تبعی، مهاجرت‌های کاری کاملاً آگاهانه صورت می‌گیرد. باتوجه به ماهیت متفاوت این ۲ نوع جریان مهاجرت، واضح است که الگوی سنی و جنسی مهاجران مشمول این علت کاملاً متفاوت است. همان‌گونه که از تصویر شماره ۴ برمی‌آید بیشترین مهاجرت‌های کاری، در ۲۰ الی ۴۰ سالگی هستند (تصویرهای شماره ۳، ۴، ۵، و ۶).

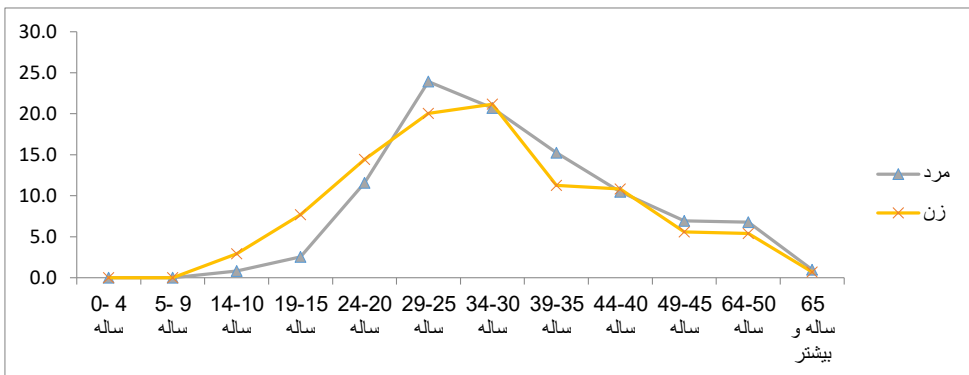


تصویر ۳. توزیع نسبی مهاجران با علت «پیروی از خانوار» به تفکیک سن و جنس ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

خانوار عامل اقتصادی (جست‌وجوی کار و کار بهتر) مهم‌ترین علت مهاجرت بوده است.

براساس ارقام مندرج در جدول شماره ۴، توزیع سنی علل مهاجرت در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ الگوی متفاوتی داشته است. در گروه سنی زیر ۱۵ سال، هم در مردان و هم زنان، پیروی از خانواده، همچنان علت اول مهاجرت بوده است. اما در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله وضعیت متفاوت است. درحالی‌که در بین مردان مهاجر این گروه سنی علل «جست‌وجوی کار،

دلایل مهاجرت در سرشماری ۱۳۹۰ با اضافه شدن علت «دستیابی به مسکن بهتر» به ۹ علت افزایش پیدا کرد. با اضافه شدن این علت مهاجرت، از مجموع دیگر علل مهاجرت کاسته شده است. اما در بررسی علت مهاجرت برحسب جنس، یافته‌ها نشان می‌دهند به مانند الگوی علل مهاجرت در سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیشترین علت مهاجرت در میان زنان مربوط به «پیروی از خانوار» و سپس تحصیلات است و در میان مردان نیز بعد از پیروی از



تصویر ۴. توزیع نسبی مهاجران با علت «شغلی» به تفکیک سن و جنس ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

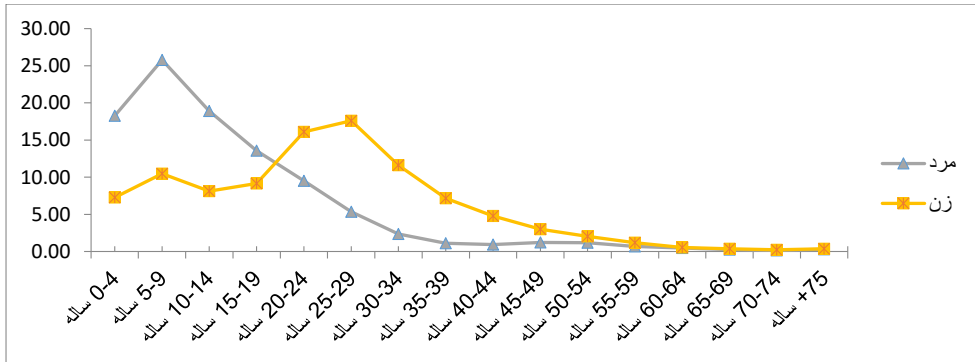
جدول ۴. علت مهاجرت برحسب سن و جنس، ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

علل مهاجرت	مرد		زن	
	صفر تا ۱۴ ساله	۱۵ تا ۶۴ ساله	صفر تا ۱۴ ساله	۱۵ تا ۶۴ ساله و بیشتر
جستجوی کار	۰/۴	۱۷/۵	۰/۳	۲/۸
جستجوی کار بهتر	۰/۲	۱۱/۱	۰/۲	۱/۵
انتقال شغلی	۰/۴	۱۳/۱	۰/۴	۲/۲
پایان تحصیل	۱/۶	۱۵/۰	۱/۵	۱۵/۳
خدمت وظیفه	۰/۰	۱۱/۶	۰/۰	۰/۰
دستیابی به مسکن مناسب‌تر	۱/۱	۸/۵	۱/۳	۴/۳
پیروی از خانواده	۸۵/۵	۱۳/۳	۸۶/۱	۶۳/۶
سایر	۴/۷	۸/۶	۴/۸	۹/۰
اظهار	۶/۱	۱/۳	۵/۴	۱/۳
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

علت مهاجرت در بین مهاجران سالمند مانند دوره قبل است. هم در بین مردان و هم زنان مهاجر سالمند علت عمده مهاجرت «پیروی از خانوار» ذکر شده است. اما عامل «دستیابی به مسکن بهتر» نیز در این سال عامل مهاجرت بیش از ۱۵ درصد از مهاجران سالمند زن و ۲۳ درصد از مهاجران سالمند مرد بوده است.

بررسی الگوی سنی ۲ علت مهم مهاجرت یعنی مهاجرت‌های تبعی و کاری در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نیز نشان داد الگوی سنی مشابهی مانند دوره قبل در این ۲ علت مهاجرت وجود دارد. براساس آنچه در تصویر شماره ۵ آمده است، مهاجرت‌های تبعی این دوره در بین جمعیت زیر ۱۹ سال بیشترین نسبت را دارا بوده است و از این سن به بعد با ورود

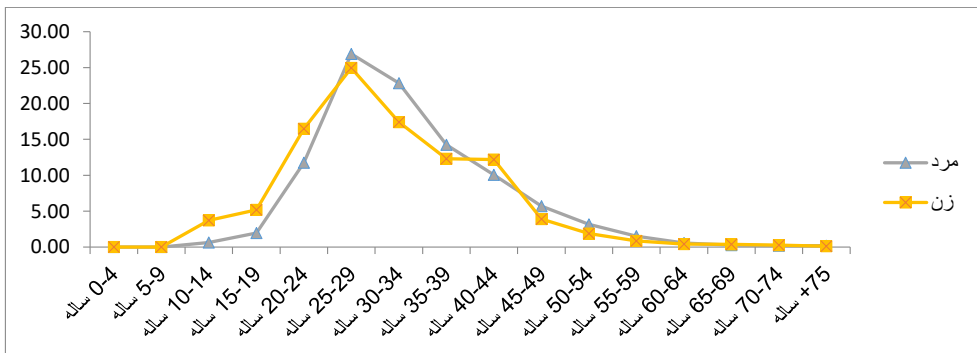
کار بهتر و انتقال شغلی «مهم‌ترین علت مهاجرت بوده، از سهم مهاجرت به دلیل «خدمت وظیفه» کاسته شده و در مقابل سهم علت «تحصیلات» برای مردان مهاجر این گروه سنی افزایش پیدا کرده است. همچنین در این سرشماری بیش از ۸ درصد مردان مهاجر علت مهاجرت خود را «دستیابی به مسکن بهتر» معرفی کرده‌اند. کمتر از ۱۳/۳ درصد از مردان علت مهاجرت را «پیروی از خانوار» اعلام کرده‌اند. اما در میان زنان این گروه سنی شرایط کاملاً متفاوت است. بیش از ۶۳ درصد از زنان این سنین همچنان علت مهاجرت خود را «پیروی از خانوار» اعلام کرده‌اند و بیش از ۱۵ درصد نیز «تحصیلات» را به‌عنوان دلیل مهاجرت اعلام کرده‌اند.



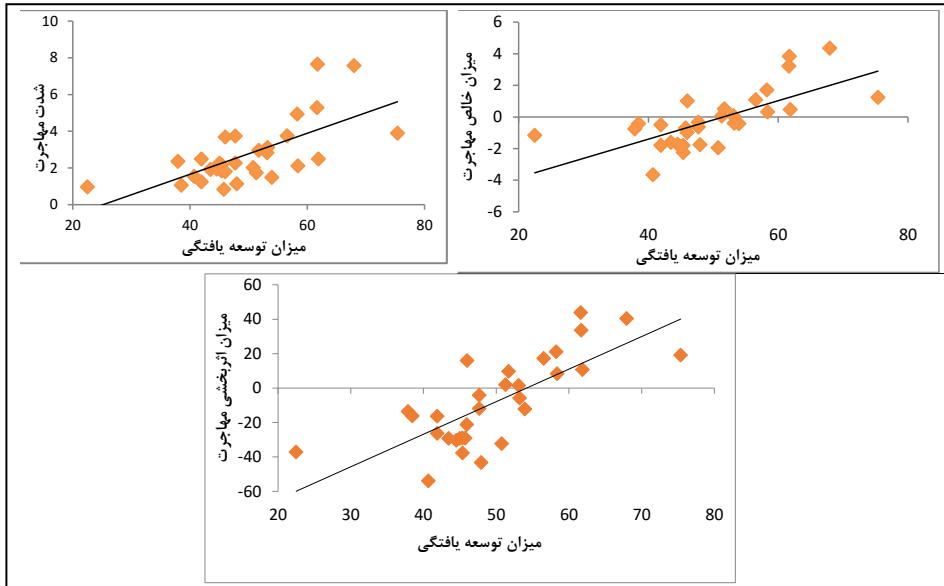
تصویر ۵. توزیع نسبی مهاجرت با علت «پیروی از خانوار» به تفکیک سن و جنس ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

داده شده است، بیشترین نسبت مربوط به سنین ۲۰ الی ۵۰ سالگی است. نقطه اوج آن برای هر ۲ جنس در سنین ۲۵ تا ۳۰ سالگی است و بعد از آن به تدریج کاهش می‌یابد. همچنین بررسی تفاوت‌های جنسی این علت مهاجرت در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد گرچه در سنین ۲۰ تا ۲۹ سالگی نسبت مهاجرت کاری در میان زنان بیشتر از مردان است، اما بعد از این سن به تدریج کاهش یافته و مردان بیشتر از زنان دست به مهاجرت کاری می‌زنند.

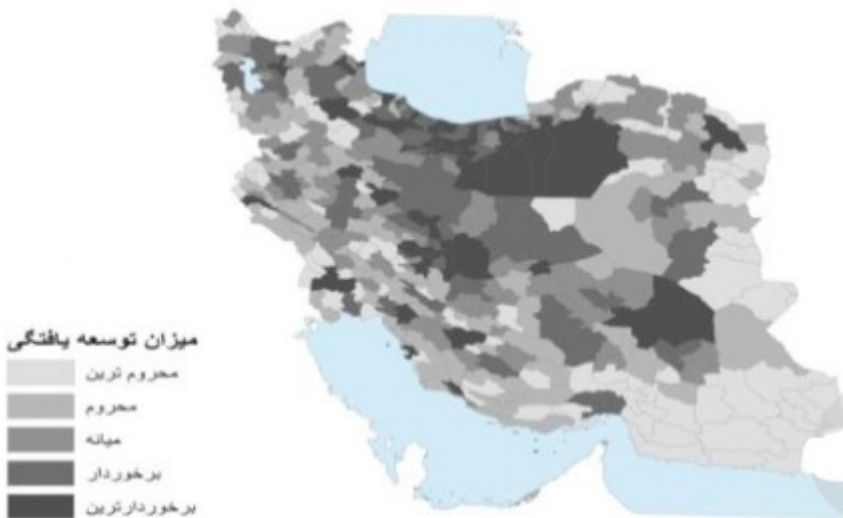
افراد به دوره آموزش عالی و نیز کار و اشتغال، از نسبت مهاجرت‌های تبعی افراد کاسته شده است. نکته جالب توجه اینکه نسبت مهاجرت‌های تبعی این دوره مانند دوره قبل، در ابتدا در میان مردان بیشتر است، اما به علت وابستگی زنان به مردان، با بالا رفتن سن، نسبت مهاجرت‌های تبعی زنان بیشتر از مردان می‌شود و تا سنین ۵۰ تا ۵۴ سالگی نیز ادامه می‌یابد. در دوران سالمندی نسبت مهاجرت‌های تبعی برای هر ۲ سن به شدت کاهش می‌یابد و تفاوت جنسی زیادی نیز مشاهده نمی‌شود. همچنین در مهاجرت‌های کاری نیز که در تصویر شماره ۶ نشان



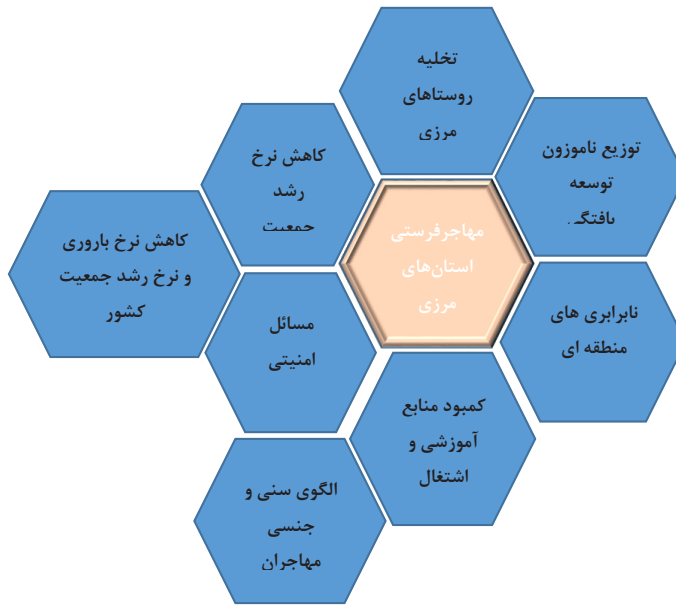
تصویر ۶. توزیع نسبی مهاجرت با علت «شغلی» به تفکیک سن و جنس ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



تصویر ۷. رابطه میزان توسعه‌یافتگی و مهاجرت استان‌های کشور در سال ۱۳۹۵



تصویر ۸. الگو و سطح توسعه‌یافتگی مناطق کشور (منبع: صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵)



تصویر ۹. علل و چالش‌های مهاجر فرستی مناطق مرزی

می‌دهد که استان‌های توسعه‌یافته‌تر در کشور دارای خالص مهاجرت بیشتری هستند، یعنی مهاجران بیشتری را جذب می‌کنند. در حالی که استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور دارای خالص مهاجرت‌های پایین‌تری هستند. با توجه به نقشه کشوری میزان توسعه‌یافتگی که در تصویر شماره ۸ نشان داده شده است، می‌توان گفت که مهاجرت‌ها عمدتاً از سوی مناطق مرزی به سمت مناطق مرکزی کشور است (شهبازین، ۱۳۹۷، صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵).

بررسی توزیع فضایی توسعه‌یافتگی در کشور نشان می‌دهد که سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران، ساختار فضایی داشته و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. به این معنا که میزان توسعه‌یافتگی به شدت تمایل به متمرکز شدن یا خوشه شدن در فضا دارد. به طوری که تجمع فضایی نقطه‌های داغ

وضعیت مهاجرت در این مناطق نشان‌دهنده مشکلات و چالش‌های متعددی است. مهاجرپذیری استان‌های توسعه‌یافته (عمدتاً مناطق مرکزی کشور) و مهاجر فرستی استان‌های کمتر توسعه‌یافته (عمده مناطق مرزی) نشان‌دهنده نابرابری مناطق از نظر امکانات اقتصادی و اجتماعی است. بررسی‌های مختلف حاکی از رابطه مثبت بین سطح توسعه‌یافتگی و میزان مهاجرت است. به طوری که مناطق توسعه‌یافته دارای خالص مهاجرتی بالاتری هستند (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و شکرانی، ۱۳۹۵؛ عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۶).

بر اساس تصویر شماره ۷ رابطه ۳ شاخص مهم مهاجرت، یعنی میزان خالص مهاجرت، شدت مهاجرت و نیز میزان اثربخشی مهاجرت نشان

همه موجب شده است که مهاجرت داخلی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی نمود پیدا کند. جریان مهاجرت از روستا به شهر و در نتیجه سرعت رشد شهرنشینی در کشور، مهاجرت‌های گسترده شهر به شهر، به‌ویژه به شهرهای بزرگ کشور مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی را به دنبال داشته است. افزایش نرخ و شدت مهاجرت در کشور طی دهه‌های اخیر، تغییر الگوی مهاجرت از مهاجرت‌های روستا-شهر به شهر-شهر و نیز افزایش نسبت مهاجرت‌های بین‌استانی، همه از تغییراتی است که مهاجرت داخلی طی دهه‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده است (شهبازین و همکاران، ۱۳۹۶). در کنار این تغییرات و افزایش حجم مهاجرت، عدم توزیع فضایی یکسان مهاجرت در کشور نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های مهاجرت داخلی در کشور است.

بررسی مهاجرت‌های استانی نشان داده است که استان‌های مرکزی کشور شامل تهران، البرز، سمنان، یزد، اصفهان و غیره مهاجرپذیرترین استان‌های کشور هستند که همواره تراز مهاجرتی مثبت داشته‌اند، اما در این میان استان‌های مرزی کشور، مناطق کاملاً مهاجرفرست هستند. ۱۰ استان از کل استان‌های مرزی کشور طی ۴۰ سال اخیر همواره تراز مهاجرتی منفی داشته‌اند و بیش از ۴۰ درصد مهاجران خارج‌شده خود را به نفع ۲ استان البرز و تهران از دست داده‌اند. این تراز مهاجرتی منفی موجب شده است که استان‌های مرزی حجم زیادی از جمعیت خود را از دست بدهند که علاوه بر تأثیر مستقیم بر حجم جمعیت، به‌واسطه الگوی سنی جوان آن‌ها در بلندمدت میزان ازدواج و باروری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کنار این مهم، به‌واسطه ورود حجم زیادی از مهاجران به مناطق دیگر مشکلاتی، مانند بیکاری، اشتغال کاذب، تراکم

(توسعه‌یافته) متعلق به شهرستان‌های استان‌های تهران، مازندران، اصفهان و سمنان است. در مقابل، تجمع فضایی نقطه‌های سرد (توسعه‌نیافته) در نوار مرزی غربی، شمال شرقی و به‌ویژه جنوب شرقی کشور است و متعلق به شهرستان‌های استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، هرمزگان، خوزستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه و کردستان است (صادقی و شکرایی، ۱۳۹۵: ۲۵۴).

شدت و تداوم این روند از مهاجرت، بسیاری از مناطق استان‌های مرزی به‌ویژه مناطق روستایی را با خطر نابودی مواجه کرده است. این مهاجرت با خارج کردن جمعیت جوان از مناطق روستایی، عدم توسعه‌یافتگی این مناطق را تشدید کرده است و بسیاری از غیرمهاجران (عمدتاً زنان و سالمندان) در روستاها فاقد امکانات اقتصادی و رفاهی مناسب هستند (محمودیان و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۲). از سویی مهاجرت این افراد به مناطق شهری استان‌های مرکزی، افزایش نامناسب شهرنشینی را به دنبال دارد که تبعات منفی زیادی نظیر تخریب محیط‌زیست را به همراه داشته است و نسبت قابل توجهی از مهاجران نیز با سکونت در حاشیه شهرهای مقصد از کمبود امکانات رفاهی رنج می‌برند. باتوجه‌به اهمیت مناطق مرزی در امنیت ملی و اجتماعی، توجه و تأکید بر مهاجرت در جهت کاهش آن و ایجاد ثبات و پایداری جمعیتی باید در دستور کار قرار گیرد. در مجموع می‌توان مسائل و مشکلات مربوط به مهاجرت از مناطق مرزی را به تصویر شماره ۹ عنوان کرد.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

گسترده‌ی جامعه هدف مهاجرت، تأثیرپذیری از سیاست‌گذاری و ماندگاری بلندمدت آن در جامعه،

جمعیتی بالا، آلودگی و غیره برای مقصد ایجاد شده است. همچنین ضمن برهم زدن تعادل جنسی و سنی و در واقع پیامدهای جمعیتی در مناطق مبدأ، مشکلات اجتماعی و امنیتی را نیز در مناطق مرزی ایجاد می‌کند.

یافته‌های تحقیقات و مطالعات متعدد در زمینه مهاجرت‌های داخلی به‌ویژه در استان‌های مرزی نشان داده است که علت مهاجرت در همه این مناطق یکسان نیست. نتایج سرشماری‌ها نشان می‌دهند که بعد از پیروی از خانوار، عامل اشتغال مهم‌ترین علت مهاجرت در این مناطق است. اما بنابر مصاحبه‌های صورت گرفته و نیز نتایج تحقیقات متعدد آنچه موجب رها کردن موطن و یافتن شغلی در مقصدی دیگر است، در این مناطق یکسان نیست. در حالی که مهاجرت مناطق غربی و شمال غربی کشور، کردستان، ایلام و کرمانشاه، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل عمدتاً ناشی از کمبود فرصت‌های شغلی و در نتیجه بالابودن میزان بیکاری است. در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و خوزستان در کنار مسائل اقتصادی، مشکلات اقلیمی نیز علل عمده مهاجرت، به‌ویژه در چند سال اخیر است. کم‌آبی و خشکسالی در استان‌های سیستان و بلوچستان و به‌ویژه خراسان جنوبی موجب مهاجرت‌های گسترده‌ای شده است (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کاوه فیروز و فراش، ۱۳۹۵؛ ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰؛ رستمعلی‌زاده و حسینی، ۱۳۹۲؛ زرقاتی و همکاران، ۱۳۹۵؛ محمودی و همکاران، ۱۳۸۹؛ بیک محمدی و مختاری ملک‌آبادی، ۱۳۸۲) به‌طوری که بسیاری از سرزمین‌های این ۲ منطقه خالی از سکنه شده است. سیاست مناسب برای مدیریت این خشکسالی، مستلزم فعالیت‌های هماهنگ با حضور همه

ذی‌نفعان به منظور اتخاذ تصمیماتی برای کاهش آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی با قوانین و سیاست‌های به‌روز است (موسوی و نیک‌نامی، ۱۴۰۰). طوفان‌های شدید شن و ماسه، ریزگردها، کاهش بارندگی و در نتیجه پایین آمدن بازدهی محصولات کشاورزی، افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی و دامی و غیره همه از عمده دلایل مهاجرت از این مناطق هستند. باتوجه‌به شرایط توصیف‌شده در مهاجرت در کشور و نیز تفاوت علت مهاجرت برحسب منطقه، راهکارهای توصیه‌شده و مورد توجه در این زمینه باید شامل ۲ ویژگی مهم باشد؛ نخست اینکه ارائه هر راهکاری باید متناسب با چرایی مهاجرت در منطقه باشد و دوم اینکه راهکارهای پیشنهادی باید متناسب با ظرفیت زیستی و توان منطقه باشد. با وجود این باتوجه‌به برخی از مسائل مشابه در مناطق مرزی، مانند سطح توسعه‌یافتگی پایین‌تر در مناطق مرزی، راهکارهای کلان و درعین‌حال مشترک می‌توانند تا حدودی راهگشا باشند.

#### ۴-۱. پیشنهادات سیاستی

به‌طور کلی، سیاست‌هایی که بر مهاجرت و باز توزیع جمعیت مؤثرند به ۲ دسته تقسیم می‌شوند: الف) سیاست‌های مستقیم، که آشکارا برای تغییر جهت مهاجرت طراحی می‌شوند. این سیاست‌ها الگوهای اقامت و جابه‌جایی را قاعده‌مند می‌کنند. این رویه شامل ایجاد موانعی در جریان مهاجرت به شهرها، محدودیت‌های مسافرتی و برنامه‌های اسکان مجدد است. ب) سیاست‌های غیرمستقیم که عموماً موجب بهبود شرایط مبدأ، به وجود آوردن سکونت‌گاه‌های متفاوت از قبیل مناطق مرزنشین یا شهرهای میانی و ایجاد مناطقی با جذابیت بیشتر می‌شود. (سنایی، ۱۳۷۵: ۲۲). در ایران، سیاست‌های



علمی است، مسائل اجتماعی شناسایی شده، اطلاعات جمع آوری می شود و مفاهیم و فرضیه های اصلی ایجاد می شوند و راهکارهای عملیاتی پیشنهاد می شود (کشتکاررجبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۸).

باتوجه به اینکه سیاست گذاران باید تحت محدودیت های زمانی، تصمیمات عملی اتخاذ کنند، خلاصه ها می توانند با پیشنهاداتی عملی و مبتنی بر داده ها و آمارهای موجود، آن ها را در این مسیر یاری کنند (گل وردی، ۱۴۰۰). در این قسمت از مطالعه نیز تلاش شده است براساس آنچه در ارائه داده ها مشاهده شد، راهکارها و پیشنهاداتی در کاهش مهاجرفرستی مناطق مرزی ارائه شود که خلاصه ای از آن نیز در تصویر شماره ۱۰ آمده است..

براساس یافته های تحقیق و نیز مطالعات مختلف، آموزش و تحصیلات یکی از علل مهاجرت جوانان به ویژه در میان دختران و زنان است. کمبود امکانات آموزشی مانند مدرسه، معلم، کلاس و غیره در بسیاری از مناطق به ویژه مناطق روستایی استان های سیستان و بلوچستان، ایلام و کردستان موجب نقل مکان خانواده برای دستیابی به امکانات آموزشی برای فرزندان می شود. از سویی عدم دسترسی به دانشگاه ها، مراکز فنی حرفه ای و غیره سطوح بالا نیز موجب مهاجرت افراد عمدتاً به تهران و البرز برای دستیابی به مراکز باکیفیت می شود. مهاجرتی که در پی کسب تجربه زیسته در مقصد، در موارد بسیاری منجر به اقامت می شود. یکی از پیشنهاداتی که در این زمینه وجود دارد احداث مدرسه در مناطق موردنیاز این استان هاست. مدارسی که می توانند با کمک خیرین و نیز وزارت احداث شوند. این اقدام ضمن ایجاد ماندگاری جمعیت در این سطح، می تواند با جذب معلم و به صورت کلی نیروی بومی و محلی، زمینه ایجاد شغل و ماندگاری را ایجاد کند.

مستقیم به صورت عام و خاص که مربوط و منحصر به مناطق مرزی کشور باشد، اعمال نشده است. عمده توجه سیاست های مهاجرتی در کشور توجه به کلان شهر تهران و سیاست گذاری برای کاهش بار مهاجرتی و در نتیجه تراکم جمعیتی این شهر بوده است. سیاست های غیرمستقیم اعمال شده در کشور نیز به طور خاص به مناطق مرزی نپرداخته است، بلکه به صورت جامع هدف آن کاهش مهاجرت از کلانشهرها به ویژه کاهش مهاجرت روستا به شهری بوده است. از سیاست های غیرمستقیم کنترل مهاجرت روستا به شهر در کشور، برنامه های توسعه روستایی بوده است. نقطه شروع این برنامه ها را می توان به اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ نسبت داد. بعد از انقلاب نیز برنامه های توسعه روستایی در قالب فعالیت های نهاد جهاد کشاورزی گسترش یافت. بیمه کردن روستانشینان، بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، و ارائه تسهیلات به روستاییان برنامه های جدیدتر توسعه روستایی هستند. در اواسط سال ۱۳۸۹ نمایندگان مجلس شورای اسلامی با بررسی ماده ۱۷۴ لایحه برنامه پنجم توسعه با عنوان «توسعه روستایی» دولت را به تدوین سیاست های تشویقی در جهت مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) و تثبیت نسبی جمعیت روستایی تا آخر سال اول برنامه پنجم مکلف کردند. ارتقای شاخص های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت بندی خدمات روستایی باتوجه به شرایط منطقه ای و محلی از جمله این حمایت ها بوده است. اما باتوجه به روند مهاجرت در مناطق مرزی کشور و تأثیر و اهمیت آن بر امنیت سیاسی و ملی (به ویژه به دلیل ناامنی های چندساله اخیر در کشورهای همسایه)، باید سیاست گذاری و اقداماتی عملی را برای این مناطق در دستور کار قرار داد (محمودیان، ۱۳۹۵). در این سیاست گذاری که براساس یافته های



تصویر ۱۰. راهکارهای سیاستی ماندگاری جمعیت در استان‌های مرزی

در این راستا گروهی از نهادهای دولتی و غیردولتی شامل وزارت و سازمان آموزش و پرورش، گروه خیرین مدرسه‌ساز، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان اداری و استخدامی کشور و همچنین گروه وسیعی از نهادهای سیاست‌گذار دیگر، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی بر این فرایند مؤثر هستند.

آمایش سرزمین: مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدام «آمایش سرزمین» در مناطق مرزی است. هدف از آمایش سرزمین صرفاً دستیابی به حداکثر منافع نیست، بلکه آماده‌سازی فضای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منطقه برای اهداف راهبردی است. چنانچه در یک منطقه مرزی با استعداد، بی‌ثباتی حاکم باشد، نه‌تنها مهاجرت افزایش پیدا می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای بحران‌سازی بیگانگان نیز فراهم می‌شود. این امر به‌ویژه در مرزهای جنوب شرقی و غربی که با کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان و عراق همسایه هستند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در واقع تأکید به انجام آمایش در استان‌های

مسئله مهم دیگر در این زمینه دانشگاه‌های موجود در این استان‌هاست. دانشگاه‌های استان‌های تراز اول کشور عمدتاً در استان‌های مرکزی مانند تهران، البرز، اصفهان، شیراز و غیره قرار دارند. با انتقال برخی از امکانات و تجهیزات پیشرفته، مانند آزمایشگاه‌ها به دانشگاه‌های استان‌های مرزی می‌توان جذابیت این دانشگاه‌ها را افزایش داد. از دیگر اقداماتی که می‌توان در این زمینه انجام داد مشوق‌های مادی و معنوی برای اساتید عالی‌کفوری هستند تا بتوان از آن‌ها در این دانشگاه‌ها استفاده کرد. اعطای پایه‌های تشویقی، افزایش حقوق، تسهیلات مسکن، تسهیل رفت‌وآمد و غیره از جمله این مشوق‌ها هستند. تقویت امکاناتی، مانند خوابگاه‌ها، خوابگاه‌های متأهلی، اعطای وام، امتیاز ویژه برای قبولی در دانشگاه‌های استان‌های مرزی نیز از سایر اقداماتی است که می‌توانند ضمن ایجاد منافع برای اساتید، دانشجویان، کارمندان و غیره موجب جذب جمعیت و نیز ماندگاری جمعیت شود.

با ارائه امتیازاتی ویژه برای کارفرمایانی است که از نیروهای بومی استفاده می کنند.

ایجاد بنگاه های زودبازده و البته پایدار در منطقه: این اقدام می تواند زمینه ساز رونق اقتصاد خصوصی در مناطق مرزی شود که در کنار اتمام طرح های ناتمام و طراحی و اجرای طرح های نو، به کاهش بیکاری در روستاها منجر می شود. ایجاد بازارچه های مرزی و رونق تعاونی های مرزنشینان به واسطه قرار گرفتن در جوار کشورهای همسایه که به لحاظ فرهنگی اجتماعی و نیز اقتصادی و سیاسی چشم اندازها و فرصت های متفاوتی دارند، می تواند به عنوان یک نقطه قوت برای مناطق مرزی در نظر گرفته شود.

پیش نیاز سرمایه گذاری در هر منطقه و برای هر موضوعی، داشتن اطلاعاتی مکفی درمورد منطقه و نمایی از آینده آن است. بنابراین یکی از مهم ترین اقدامات باید تلاش برای برگزاری ایستگاه های هم اندیشی و نیز اطلاع رسانی برای شناساندن منطقه باشد. با این عمل معرفی خوبی برای جذب سرمایه در منطقه صورت می گیرد. استفاده از ظرفیت رسانه های دولتی، به ویژه صداوسیما در ساخت برنامه ها و مستندهایی از قابلیت ها و ظرفیت های محیطی و استفاده از شبکه های مجازی در این مسیر بسیار راهگشا خواهد بود. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می تواند با استفاده از این ظرفیت به معرفی جاذبه های فرهنگی، طبیعی و تاریخی استان هایی، مانند کرمانشاه، کردستان، ایلام پرداخته و در بلندمدت با احداث بوم گردی ها و ایجاد تورهای مسافرتی و گردشگری، ضمن ایجاد شغل برای بومیان، کسب درآمد داشته باشد.

ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی پیشرفته در این مناطق: این مهم در ابتدا می تواند با سرمایه گذاری های دولت آغاز به کار کند. ارائه تسهیلات و امتیازات به

مرزی در راستای توجه به برنامه ریزی های بهینه و کارشناسی شده برای رسیدگی به وضعیت اقتصادی و رفاه و اشتغال مرزنشینان است. وزارت کشور، سازمان برنامه و بودجه، استانداری ها، فرمانداری و شهرداری ها، دانشگاه ها و بسیاری از نهادهای دولتی و غیردولتی دیگر از دی نفعان اصلی این اقدام هستند.

همان طور که در بحث از علل مهاجرت از استان های مرزی گفته شد، اشتغال و به دست آوردن درآمد بالاتر یکی از مهم ترین و درواقع اصلی ترین علت مهاجرت در همه مناطق مرزی است. نبود فرصت های شغلی در این مناطق مهم ترین دغدغه مهاجران خارج شده است. بنابراین مفیدترین و تأثیرگذارترین اقدام در این زمینه فراهم کردن زمینه اشتغال است. از پیشنهادهایی که می توان در این زمینه داشت دعوت از سرمایه گذاران بزرگ داخلی و حتی خارجی به منطقه و معرفی توانمندی ها و امکانات بالقوه و تضمین امنیت سرمایه آن ها است. این مقوله در مناطق مرزی غربی مانند کرمانشاه، ایلام، کردستان و غیره که دارای پتانسیل های خوبی برای کشاورزی و دامداری است به نحو مطلوبی می تواند اجرایی شود. ایجاد کارخانه های لبنی در جوار تولیدات دامی ضمن کاهش هزینه های انتقال مواد، موجب تشویق به دامداری و حتی گسترش دامداری های مکانیزه برای تولید بیشتر شود. در این راه می توان از اقداماتی نظیر کاهش مالیات این کارخانه ها، تخفیف های بیمه برای به کارگیری نیروهای بومی، تخفیف در اعطای زمین برای احداث کارخانه و غیره نیز بهره گرفت.

پیشنهاد دیگر تشکیل شوراهای کارآفرینی با مدیریت دانشگاه های مراکز استان ها و کمک به جمع آوری سرمایه های کوچک محلی و استفاده از آن ها در راه اندازی کسب و کارهای بزرگ در منطقه

### مشارکت نویسندگان

این مقاله یک نویسنده دارد و کلیه بخش‌ها حاصل کار ایشان است.

### تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

پژشکان کشور برای حضور در این مراکز و به تدریج استفاده از نیروهای بومی برای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مناطق مرزی، این مراکز و بیمارستان‌ها باید به پیشرفته‌ترین و مجهزترین وسایل تجهیز باشند تا ضمن تبدیل شدن به قطب‌های درمانی برای کشور، به واسطه همجواری با سایر کشورها موجب جذب درآمدهای درمانی از ساکنان کشورهای مجاور نیز شوند.

استقرار شرکت‌های دانش‌بنیان در این مناطق و استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز برای فائق آمدن بر این مشکلات از اهمیت زیادی برخوردار است. استقرار دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن، دور کردن فعالیت‌ها و صنایع آب‌بر از مناطق کم‌آب، روش‌های درست کشاورزی و آبیاری که موجب استفاده بهینه از ذخایر زیرزمینی می‌شود، اصلاح الگوی کشت و حتی نوع کشت متناسب با شرایط خاک و آب منطقه، استفاده از بذرهای اصلاح‌شده در کنار ارائه فرآورده‌های کشاورزی می‌تواند سطح برداشت و در نتیجه درآمد کشاورزان منطقه را افزایش دهد.

### ملاحظات اخلاقی

#### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است

#### حامی مالی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی تجربیات سیاستی کشورهای منتخب در کاهش مرزگریزی (مهاجرت از مناطق مرزی)» است که تحت حمایت مالی و معنوی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور انجام شده است.

## منابع فارسی

- زرقانی، س. ه. حسینی، س. م.، قنبری، م.، و قیاسی، م. ح. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل الگوی مهاجرت در استان خراسان رضوی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۱(۲)، ۱۰۵-۷۷.
- زنگی‌آبادی، ع.، رحیمی، ع.، و مسیبی، س. (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی شاخص‌های اشتغال شهری شهرستان‌های ایران. *مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، ۱۲۴(۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- ساسانی پور، م. (۱۴۰۰). مطالعه نقش سن و علل مرگ در تفاوت‌های استانی امید زندگی در بدو تولد در ایران، ۱۳۹۵. *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، ۳۱(۱۶)، ۳۱۵-۳۴۲.
- سراقی، ع.، ابوالفتحی، د.، و ملکی، ح. (۱۳۸۸). فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر روند شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای درحال توسعه (نمونه موردی: کلان شهر تهران). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۰(۱۳)، ۱۷۲-۱۳۹.
- سرور، ر.، محمدی حمیدی، س.، و ویسیان، م. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی). *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۲(۷)، ۵۴-۲۵.
- سنائی، پ. (۱۳۷۵). بررسی سیاست‌ها و خط مشی‌های اتخاذ شده در برنامه‌های عمرانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی با تأکید بر سیاست‌ها و خط مشی‌های مؤثر بر روند مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه تهران.
- شمس‌الدینی، ع.، و گرجیان، پ. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد: دهستان رستم دو). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۵(۱۱)، ۵۷-۲۹.
- شهبازین، س. (۱۳۹۷). بررسی نقش مهاجرت در بازتوزیع جمعیت در کشور. *رساله دکتری*. یزد: دانشگاه یزد.
- شهبازین، س. (۱۴۰۰). برآورد رشد جمعیت ناشی از مهاجرت در استان‌های ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰. تهران: موسسه تحقیقات جمعیت کشور.
- شهبازین، سع.، عباسی شوازی، م. ج.، و عسکری ندوشن، ع. (۱۳۹۶). تغییرات الگوهای سکونتی ایران با تأکید بر مهاجرت داخلی طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۰. *فصلنامه مطالعات جمعیتی*، ۳(۲)، ۱۸۸-۱۵۳.
- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۰). مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ نمونه: استان سیستان و بلوچستان. *تحقیقات جغرافیایی*، ۱۶(۱)، ۱۶۸-۱۴۳.
- ادهمی، ج.، حسینی، ق.، قاسمی، ع.، و وطن پرست، ر. (۱۳۹۸). روند و جریان‌های مهاجرتی استان مرزی کرمانشاه طی دو دهه اخیر. *فصلنامه جمعیت*، ۱۰۷، ۷۶-۵۳.
- ایمانی، ع. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای سیاست‌گذاری خدمت‌سربازی در ایران با بهره‌گیری از عوامل اثرگذار کلان. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰(۳۶)، ۲۵۹-۲۳۶.
- بیک محمدی، ح.، و مختاری ملک‌آبادی، ر. (۱۳۸۲). تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان. *جغرافیا و توسعه*، ۲(۲)، ۳۶-۲۱.
- پوریایی، ع. (۱۳۹۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر گرایش روستاییان شهرستان مشکین شهر نسبت به مهاجرت به شهر تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. تهران: پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی.
- حاتمی نژاد، ح.، ابوبکری، ط.، احمدی، ف.، و نایب زاده، ف. (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی). *پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۲(۷)، ۱۸-۱.
- خسروی، ا.، آقامحمدی، س.، کاظمی، ا.، فرشادپور، م.، و شریعتی، م. (۱۳۹۱). سیمای مرگ‌ومیر در ۲۹ استان کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹. تهران: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
- رستمعلی زاده، و.، و حسینی، ق. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت مهاجرت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران. *فصلنامه علوم و فنون مرزی*، ۱۹(۱)، ۲۰۷-۱۷۷.
- حسینی، ق.، و رستمعلی زاده، و. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های مهاجران کشور به تفکیک استان طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵. *فصلنامه جمعیت*، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، ۱۲۴-۹۱.
- رضوانی، م. (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومس.

گل وردی، م. (۱۴۰۰). ابزار تأثیرگذاری بر فرایند سیاست‌گذاری. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۳۸)، ۳۶۲-۳۴۸.

محمودی، م. ج.، مشفق، م. و کاظمی پور، ش. (۱۳۸۹). تحلیل سیستمی جایگاه منطقه خراسان در نظام مهاجرتی ایران طی دوره ۸۵-۱۳۵۵. فصلنامه جمعیت، ۲۴-۷۳، ۶۲-۴۵.

محمودیان، ح. (۱۳۹۵). مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران: وضعیت، چالش‌ها و راهکارهای سیاستی. (بررسی مسائل نوظهور جمعیتی ایران) «مجموعه مقالات سیاستی»، دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ۴۴-۳۶.

محمودیان، ح.، قاسمی اردهایی، ع. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران. تهران: انتشارات صندوق جمعیت ملل متحد در ایران.

محمودیان، ح.، و محمودیانی، س. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران با تأکید بر دوره ۹۵-۱۳۹۰. تهران: انتشارات صندوق جمعیت ملل متحد در ایران.

مختاری هشی، ح.، وزین، ن.، و قادری حاجت، م. (۱۳۹۶). بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۴ (۵۴)، ۶۰-۴۳.

موسوی، س.، و نیک‌نامی، م. (۱۴۰۰). تبیین سیاست‌های پیشران مدیریت خشکسالی، مورد مطالعه استان تهران. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۴۰)، ۱۵۳-۱۳۲.

موسوی، م. ن.، بهرامی جاف، س.، علیزاده، ف.، و شهبازی، م. (۱۳۹۷). بررسی روند سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در آمایش مناطق مرزی استان کرمانشاه (۹۵-۱۳۶۵). فصلنامه علوم و فنون مرزی، ۷ (۳)، ۹۰-۶۵.

نسترن، م.، ابوالحسنی، ف.، و بختیاری، ن. (۱۳۹۴). پراکنش فضایی توسعه در شهرستان‌های ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۷، ۱۶-۱.

نیکخواه بهرامی، م. (۱۳۹۴). بررسی تمایل مهاجرتی جوانان روستایی ۱۵ تا ۲۴ ساله روستاهای برگزیده شهرستان گلندویک (افچه سینک هنزک) [پایان نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

شهبازین، س.، عسکری ندوشن، ع. و عباسی شوازی، م. ج. (۱۳۹۷). نقش مهاجرت داخلی در بازتوزیع جمعیت ایران (دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۰). نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۵)، ۶۶-۳۳.

شهبازی ثانی، د.، صادقی، ح.، حسینی، م. و محمودیان، ح. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت جمعیتی مناطق مرزی ایران و اثر آن بر امنیت پایدار مطالعه موردی: استان خوزستان. پژوهشنامه مطالعات مرزی، ۲۹، ۵۳-۳۹.

صادقی، ر.، شکرانی، م. (۱۳۹۵). تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین‌شهرستانی در ایران. توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۸ (۲)، ۲۷۰-۲۴۵.

صحنه، ب. (۱۳۹۰). بازگشت مهاجران به روستاها و نقش آن در معیشت پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان اقلان گلستان) [پایان نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه تهران.

طالبی، م.، و امیر فخریان، م. (۱۳۹۱). کاربرد الگوی کمی تحلیل فضایی جمعیت در آمایش سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: استان خراسان رضوی. پژوهش‌های روستایی، ۳ (۱۲)، ۱۳۴-۱۱۱.

عسکری ندوشن، ع.، لشگری، ا.، و فرامرزیان، س. (۱۳۹۶). رابطه شاخص‌های توسعه و مهاجرتی شهرستان‌ها در ایران. تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۱۸ (۱)، ۱۵۲-۱۲۷.

فطرس، م. ح.، و بهشتی‌فر، م. (۱۳۸۵). تعیین سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آن‌ها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳. دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰، ۱۲۲-۱۰۱.

کاوه فیروز، ز.، و فراش، ن. (۱۳۹۵). مطالعه جریان‌های مهاجرتی و عوامل موثر بر آن در استان آذربایجان غربی. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۵ (۳)، ۸۸-۶۱.

کشت کاررجبی، م.، اعتباریان، ا.، و قبتانی، ا. (۱۴۰۰). مدل به کارگیری سیاست پژوهی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی: مطالعه موردی بخش مسکن. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۳۹)، ۲۲۹-۲۰۶.

کیانی، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت روستایی و پیامدهای آن در بخش کیان شهرستان نهاوند [پایان نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه تهران.

## References

- Adhami, J., Hosseini, Gh., Ghasemi, A., & Vatanparast, R. (2019). [Migration trends and flows in Kermanshah border province during the last two decades (Persian)]. *Population Journal*, 107-108, 53-76. [\[Link\]](#)
- Askari, A., Lashgari, E., & Faramarzi, S. (2017). [The relationship between the indicators of development and immigration of cities in Iran (Persian)]. *Social analysis of Order and Social Inequality*, 8(1), 127-152. [\[Link\]](#)
- Beik Mohamadi, H., & Mokhtare, R. (2003). [A geographical analysis on migration process in Khozestan Province (Persian)]. *Geography and Development*, 1(2), 21-36. [\[DOI:10.22111/GDIJ.2003.3812\]](#)
- Ebrahimzade, E. (2001). [Rural migration and its effects in Sistan And Baluchistan : A case study (Persian)]. *Geographical Research*, 16(1), 143-168. [\[Link\]](#)
- Fotros, M. H., & Beheshtyfar, M. (2006). [Determining the Level of Development and Inequality of Iranian Provinces during 1994 and 2004 (Persian)]. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 10, 101-122. [\[Link\]](#)
- Golverdi, M. (2021). [Policy brief: A tool to influence policy making process (Persian)]. *Strategic Studies of Public Policy*, 11(38), 348-362. [\[Link\]](#)
- Hataminejad, H., Abobakri, T., Ahmadi, A., & Nayebzade, F. (2011). [Measuring the degree of industrial development in the border areas of Iran (case study: Northwest of the country, Southern cities of West Azarbaijan province) (Persian)]. *Journal of Urban Planning and Research*, 2(7), 1-18. [\[Link\]](#)
- Hoseini, Gh., & Roostmalizade, V. (2015). [Study of the immigrants characteristics in provinces of Iran, 2006-2011 (Persian)]. *Population Journal*, 21(89), 91-124. [\[Link\]](#)
- Imani, A. (2020). [Presenting a model for the military service policy-making in Iran using effective macro-elements (Persian)]. *Strategic Studies of public policy*, 10(36), 236-259. [\[Link\]](#)
- Kavehfirooz, Z., & Farash, N. (2016). [Study of factors influencing migration flows in West Azerbaijan Province (Persian)]. *Journal of Studies of Socio-Cultural Development*, 5(3), 61-88. [\[Link\]](#)
- Khosravi, A., Aghamohamadi, S., Kazemi, E., Farshad-pour, M., & Shariati, M. (2012). [Deaths in 29 provinces of the country during the years 2005 to 2009 (Persian)]. Tehran: Ministry of Health and Medical Education
- Kiyani, M. (2016). [Investigating the influencing factors on rural migration and its consequences in Kian section of Nahavand city (Persian)] [MA thesis]. Tehran: University of Tehran.
- Keshtkarajabi, M., Etebarian, A., & Gheitani, A. (2021). [The model for using policy research in policy making: A case study of the housing sector (Persian)]. *Strategic Studies Of Public Policy*, 11(39), 206-229. [\[Link\]](#)
- Khosravi, A., Taylor, R., Naghavi, M., & Lopez, A. D. (2007). Mortality in the Islamic Republic of Iran, 1964-2004. *Bulletin of the World Health Organization*; 85(8), 607-614. [\[DOI:10.2471/BLT.06.038802\]](#) [\[PMID\]](#)
- Mahmodi, M. J. Moshfegh, M., & Kazemipoor, Sh. (2010). [Systematic analysis of the place of Khorasan region in Iran's immigration system during the period 1355-1385 (Persian)]. *Population Journal*, 73-74, 45-62. [\[Link\]](#)
- Mahmodian, H. (2016). [Internal migration and urbanization in Iran: Situation, challenges and policy solutions. In: Examining Iran's emerging population issues (pp. 38-44) (Persian)]. Tehran: UNFPA & University of Tehran. [\[Link\]](#)
- Mahmodian, H., & Ghasemi, A. (2013). [Investigating the situation of immigration and urbanization in Iran (Persian)]. Tehran: UNFPA.
- Mahmodian, H., & Mahmodiani, S. (2018). [Examining the situation of immigration and urbanization in Iran with an emphasis on the period of 2011-2016 (Persian)]. Tehran: UNFPA.
- Mokhtari, H., Vazin, N., & Ghaderi Hajat, M. (2017). [Stability of security in border areas villages of Sistan and Baluchestan Province (Persian)]. *Geographical Journal of Territory*, 14(54), 43-60. [\[Link\]](#)
- Mousavi, S., & Niknami, M. (2021). [Explaining the driving policies of drought management: The case study of Tehran province (Persian)]. *Strategic Studies of public policy*, 11(40), 132-153. [\[Link\]](#)
- Mousavi, M. N., Bahrami, S., & Shahbazi, M. (2018). [Investigating the process of population policies in border areas of Kermanshah province (1365 to 1395) (Persian)]. *Journal of Border Science And Technology*, 7(3), 65-90. [\[Link\]](#)

- Nashtaran, M., Abolhasani, F., & Bakhtiari, N. (2015). [Spatial distribution of development indicators in Iranian cities using composite ranking (Persian)]. *Regional Planning, 17*, 1-14. [Link]
- Nikkhah Bahrami, M. (2015). [Investigating the migration tendency of rural youth aged 15 to 24 in selected villages of Glendwick County [MA thesis]. Tehran: Islamic Azad University.
- Pouriyae, A. (2016). [Economic and social factors affecting the tendency of the villagers of Meshgin Shahr towards Migration to Tehran (Persian)] [MA thesis]. Tehran: Islamic Azad University.
- Rezvani, M. R. (2004). [*An introduction to rural development planning in Iran* (Persian)]. Tehran: Ghomes. [Link]
- Roštamalizadeh, V., & Hosseini, Gh. (2020). [ Investigating the migration situation in rural areas of border cities of Iran (Persian)]. *Journal of Border Science and Technology, 9*(1), 177-207. [Link]
- Sadeghi, R., Abbasi-Shavazi, M. J., Shahbazin, S (2020), Internal migration in Iran. In: M. Bell, A. Bernard, E. & Charles-Edwards, Y. Zhu (Eds.), *Internal migration in the countries of Asia*. Cham: Springer Press. [DOI:10.1007/978-3-030-44010-7\_15]
- Sadeghi, R., & Shokryani, M. (2016). [Spatial analysis of the development impact on internal migration-between counties-in Iran (Persian)]. *Community Development (Rural and Urban Communities), 8*(2), 245-270. [DOI: 10.22059/JRD.2016.63067]
- Sahne, B. (2011). [The return of immigrants to villages and its role in sustainable rural livelihoods (Case study: Aqqla city, Golestan (Persian)] [MA thesis]. Tehran: University of Tehran.
- Sanae, P. (1996). [Examining the policies and policies adopted in the construction programs before and after the Islamic revolution: Emphasizing the policies and policies effective on the process of rural-urban migrations in Iran (Persian)] [MA thesis]. Tehran: University of Tehran.
- Sarvar, R., Mohammadi Hamidi, S., & Waysian, M. (2014). [Analysis of development indicators in border regions to meet sustainable security (case study: Border townships of West Azamajian Province)(Persian)]. *Journal of Police Geography, 2*(7), 25-54. [Link]
- Saraghi, E., Abolfathi, D., & Maleki, H. (2009). [The process of globalization and its effect on the process of urbanization in the megacities of developing countries (case example: Tehran metropolis (Persian)]. *Journal of Applied researches in Geographical Sciences, 10*(13), 139-172. [Link]
- Sasanipour, M. (2022).[The Role of age and causes of death in provincial differences in life expectancy at birth in Iran, 2016 (Persian)]. *Journal of Population Association of Iran, 16*(31), 315-342. [DOI:10.22034/JPAI.2022.545961.1208]
- Shahbazin, S., Abbasi-Shavazi, M. J., & Askari-Nodoushan, A. (2017). [Changing in population settlement patterns in Iran with an emphasis on internal migration during the period 1991-2016 (Persian)]. *Population Studies, 3*(2), 153-188. [Link]
- Shahbazin, S., Askari-Nodoushan, A., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2018). [The impact of internal migration on the population redistribution in Iran: The period of 1991-2016 (Persian)]. *Journal of Population Association of Iran, 13*(25), 33-66. [Link]
- Shahbazin, S. [Examining the role of immigration in population redistribution in the country (Persian)] [PhD dissertation]. Yazd: University of Yazd.
- Shahbazin, S. (2021). [*Estimated population growth due to immigration in Iran's provinces during 2006-2011 and 2011-2016* (Persian)]. Tehran: Country Population Research Institute.
- Shahiri Sani, D., Sadeghi, H., & Hosseini, M. R. (2020). [Investigating the demographic situation of Iran's border areas and its effect on sustainable security, a case study: Khuzestan province (Persian)]. *Journal of Border Studies, 29*, 39-53. [Link]
- Shamsodini, A., & Gorjian, P. (2010). [Effective factors in the migration of villagers to cities, with an emphasis on the migration network (Case: Roštam 2 District (Persian)]. *Journal of Studies of Human Settlements Planning, 5*(11), 75-92. [Link]
- Taleshi, M., & Amir Fakhrian, M. (2013).[Utilizing quantitative patterns for spatial analyzing of population in spatial planning of rural settlements case study: Khorasan Razavi Province (Persian)]. *Journal of Rural Research, 3*(12), 111-134.



Zangiabadi, A., Rahimi, A., & Mosayebi, S. (2013). [The comparative analysis of urban employment indexes in Iran Towns (Persian)]. *Geography and Environmental Planning*, 24(1), 109-128. [\[Link\]](#)

Zarghani, H., Hosseini, S. M., Ghanbari, M., & Ghiyasi, M. H. (2017). [Investigation and analysis of migration pattern in Razavi Khorasan province (Persian)]. *Scientific quarterly of social-cultural studies of Khorasan*, 11(2), 77-105. [\[Link\]](#)